

مقاله پژوهشی: تبیین متغیرهای اقتصادی محیط پیرامونی اثرگذار بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: کشورهای حوزه دریای خزر)

حامد ابراهیمی^۱، محمد اخباری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۴

چکیده

مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی محیط‌های پیرامون واحدهای سیاسی، بسته به موقعیت، مشخصات و عناصر ساختاری و کارکردی خود دارای ارزش‌های متفاوتی هستند که از ثبات و پایداری برخوردار نمی‌باشند و در بستر زمان دچار تحول و تغییر می‌گردند. مصداق این نمونه محیطی، حوزه دریای خزر است که در گذشته جزو مناطق کم ارزش ژئوپلیتیکی محسوب می‌شد، ولی با پایان جنگ سرد از اهمیت نظامی این حوزه به‌صورت مداوم کاسته شده و بر اهمیت متغیرهای ژئواکونومیکی آن افزوده شده است. از طرفی همواره برای ج.ا.ا، شناخت دقیق محیط ژئوپلیتیکی پیرامون خود مؤلفه‌ای مهم و تعیین‌کننده، به جهت اثرگذاری متغیرهای محیط بر منافع و امنیت ملی کشور می‌باشد. بنا به دلایل فوق، این موضوع، مبنایی برای تدوین مقاله حاضر قرار گرفته است. در واقع احصاء متغیرهای ژئوپلیتیکی مرتبط با بُعد اقتصادی کشورهای پیرامون ج.ا.ا در حوزه دریای خزر که بر امنیت ملی کشورمان اثرگذارند، هدف اصلی این مقاله است. در این اثر، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده و نگارنده تلاش نموده است که با انجام مطالعات کتابخانه‌ای و نظری، محیط‌شناسی خزر در بُعد اقتصادی، ارائه پرسشنامه و انجام آزمون بر روی داده‌های حاصله، متغیرهای ژئوپلیتیکی مربوطه را با توجه به اولویت متغیرها استخراج و نتایج تحقیق را ارائه نماید. از نظر نگارنده متغیرهای به‌دست‌آمده به جهت اثرگذاری بالای آن‌ها بر امنیت و منافع ملی ج.ا.ا در حوزه دریای خزر و همچنین بر سایر ابعاد و متغیرهای این محیط، می‌توانند مبنایی برای مطالعه مدون و درک درست و کامل‌تری از محیط ژئوپلیتیکی پیرامون ج.ا.ا قرار گیرند.

کلیدواژه‌ها: محیط پیرامونی، اقتصادی، حوزه دریای خزر، ژئوپلیتیک، ژئواکونومی

۱. گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

حوزه دریای خزر شامل این دریا و کشورهای ساحلی آن، در بخش شمالی مرزهای سرزمینی ج.ا.ایران، به عنوان یک حوزه ژئوپلیتیکی مهم در دو منطقه اوراسیا و آسیای غربی واقع شده است. جغرافیای سیاسی و مباحث ژئواکونومیکی حوزه دریای خزر، اولین بار حدود دو قرن قبل، با امضای عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای بین کشورهای ایران و روسیه مطرح گردید. با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی، ژئوپلیتیک منطقه دریای خزر دستخوش تحولات بنیادین گردید و دوران جدیدی را در روابط و مسائل سیاسی و اقتصادی کشورهای تازه تأسیس این منطقه و ج.ا.ایران به وجود آورده است. در پرتو تحولات جدید، مسابقه‌ای بزرگ بین کشورهای تازه استقلال یافته و دارای اقتصاد ضعیف حاشیه این دریاچه در جهت بهره‌برداری از منابع و منافع بیشتر (به خصوص از منابع دریای خزر) در حال انجام است. از طرف دیگر، خلأ قدرت ناشی از فروپاشی شوروی و جاذبه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منطقه خزر، توجه قدرت‌ها و بازیگران فرامنطقه‌ای را نیز به این حوزه جلب نموده و به دنبال آن زمینه‌ساز رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با یکدیگر شده است که از جهات مختلفی بر منافع و امنیت ملی ج.ا.اثرگذار است. همچنین از آنجایی که مؤلفه‌های ژئواکونومیکی کشورهای منطقه خزر تحت تأثیر عوامل مختلف با کارکردهای متفاوت، می‌توانند در طیفی از شرایط کاملاً مساعد تا شرایط نامساعد نسبت به ج.ا.ا قرار داشته باشند، کشور ما نیز همانند سایر بازیگران نظام بین‌الملل و نیز به عنوان یک قدرت برتر منطقه‌ای، در تعقیب و نیل به آرمان‌ها، حفظ امنیت ملی کشور و تعیین و تحصیل منافع ملی، می‌کوشد تا فضای ژئواکونومیکی این منطقه را طبق اولویت‌ها و سیاست‌های خود تعریف و تبیین نموده و چالش‌ها و تهدیدات را در این محیط مدیریت نماید.

بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مداوم کشورها، رصد تحولات ژئوپلیتیکی در محیط‌های پیرامونی است و یقیناً عدم توجه و کم بهره جستن از این تحولات، می‌تواند بر مؤلفه‌های

قدرت ملی کشورها (سیاسی، اقتصادی، نظامی، امنیتی، فرهنگی و...) اثر مخرب داشته و دامن کشور اثرپذیر را به تحولات ناهنجار محیط آلوده نماید. ولی کشورها همواره با این سؤالات اساسی مواجه بوده‌اند که امروزه با وجود ابهامات و پیچیدگی‌های زیاد در محیط پیرامونی، چگونه می‌توان از امنیت ملی کشور در برابر تهدیدات محیط حفاظت نموده و منافع ملی را در این محیط‌های هدف شناسایی، تحقق، ارتقاء، حفاظت و گسترش داد؟ به همین جهت برای واحدهای سیاسی، شناخت دقیق محیط ژئوپلیتیکی پیرامون خود، یک رکن اساسی و مؤلفه‌ای مهم، کلیدی و تعیین‌کننده می‌باشد.

فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد نه تنها باعث فعال شدن حوزه ژئوپلیتیک دریای خزر گردید؛ بلکه حوزه‌های ژئوپلیتیک مجاورش را نیز فعال‌سازی و دچار فرآیند بازتولید قدرت کرده است. از طرفی، جاذبه‌های متنوع ژئواکونومیک منطقه خزر در کنار خلأ قدرت ناشی از فروپاشی شوروی در این منطقه، موجب رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با یکدیگر بر سر کسب مواهب منطقه گردیده است که این نفوذ و حضور قدرت‌ها و بازیگران فرامنطقه‌ای گاهی مخالف ج.ا.ایران در منطقه، از جهات متعددی بر منافع ملی و به دنبال آن بر امنیت ملی کشور در این منطقه اثرگذار بوده است. همچنین با تشکیل چهار جمهوری تازه‌استقلال یافته در حوزه پیرامونی شمال کشور به جای شوروی، در کنار ابهام و عدم تعیین سهم کشورهای حاشیه‌ای از میزان منابع سطحی و زیرسطحی دریای خزر، این حوزه ژئوپلیتیکی می‌تواند به عنوان یکی از مناطق چالش‌خیز آینده در پیرامون مرزهای شمالی ایران قلمداد گردد؛ به گونه‌ای که با وجود گذشت دو دهه از عمر سیاسی این کشورها، تاکنون بستر مناسبی برای تعامل راهبردی بین ج.ا.ا و همسایگان شمالی خود در حوزه خزر فراهم نشده است.

با بررسی ابعاد مختلف ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه خزر، این مسئله نمایان می‌شود که نقش متغیرهای اقتصادی این کشورها (شامل اقتصاد ضعیف، منابع فسیلی فراوان، موقعیت ترانزیتی و...) به علت اثرات بالای آن‌ها بر سایر ابعاد ژئوپلیتیکی این کشورها و همچنین تأثیر بر منافع و امنیت ملی ج.ا.ایران واجد اهمیت بسیار زیادی است؛ بنابراین نگارنده با

تکیه بر این نکته مهم، بر آن است تا با انجام تحقیق حاضر در قالب بررسی و احصاء مؤلفه‌های اقتصادی تأثیرگذار کشورهای حوزه خزر، درک و شناخت درست و دیدگاه واحدی را برای تصمیم‌گیران کلان کشور نسبت به محیط ژئوپلیتیکی پیرامون ایران در حوزه دریای خزر ارائه نماید.

اهمیت تحقیق

انجام چنین تحقیقی باعث می‌شود با برداشت صحیح و اصولی از محیط ژئوپلیتیکی ایران در حوزه دریای خزر، به خصوص با احصاء نقش متغیرهای ژئوپلیتیکی مرتبط با بُعد اقتصادی کشورهای این منطقه، از لحاظ کارکردی میان نخبگان سیاست‌گذار و تصمیم‌گیرنده، انسجام و وفاق ادراکی و رفتاری ایجاد کند و تأثیر عمده‌ای بر تدوین راهبردهای سیاست خارجی کشور در این حوزه بگذارد. همچنین تولید یک اثر علمی در این موضوع، علاوه بر تمرکز گفتمانی، موجب غنی‌سازی و تعمیق ادبیات علم ژئوپلیتیک نیز در کشور می‌گردد.

ضرورت تحقیق

عدم توجه دقیق به جنبه‌های اقتصادی کشورهای حوزه خزر در شناخت محیط ژئوپلیتیکی این حوزه، مشکلات عدیده‌ای را در برداشت‌ها و رویکردهای تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کلان سیاست خارجی کشور در حوزه دریای خزر، ناشی از فقدان یک دیدگاه واحد در شناخت محیط ژئوپلیتیکی این حوزه ایجاد خواهد کرد و به دنبال آن موجب اتخاذ راهبردها، کنش‌ها و واکنش‌های نامناسب نسبت به رفتارها و متغیرهای محیط هدف (کشورهای حوزه دریای خزر) و افزایش هزینه‌های امنیتی برای کشور خواهد شد.

هدف تحقیق

شناخت و تبیین متغیرهای ژئوپلیتیکی مرتبط با بُعد اقتصادی کشورهای پیرامون ج.ا.ایران در حوزه دریای خزر که بر امنیت ملی کشورمان اثرگذارند، هدف اصلی این تحقیق است.

سؤال تحقیق

متغیرهای ژئوپلیتیکی مرتبط با بُعد اقتصادی کشورهای پیرامونی ج.ا.ا در حوزه دریای خزر که بر امنیت ملی کشورمان اثرگذار می‌باشند کدامند؟

فرضیه تحقیق

از نظر نگارنده متغیرهای ژئوپلیتیکی مرتبط با بُعد اقتصادی نقش‌آفرین در محیط پیرامونی ایران در حوزه خزر که می‌توانند بر امنیت ملی ج.ا.ا اثرگذار باشند، ۱۴ متغیر به شرح زیر می‌باشند:

- (۱) جایگاه قدرت اقتصادی کشور در منطقه و جهان،
- (۲) سیاست‌های نامناسب اقتصادی،
- (۳) وضعیت اشتغال، رفاه و معیشت مردم،
- (۴) توزیع نامناسب ثروت و فساد مالی،
- (۵) میزان صادرات و واردات انرژی، کالا و خدمات،
- (۶) قاچاق کالا و مواد مخدر،
- (۷) وضعیت صنعت و فناوری،
- (۸) شبکه‌ها و زیرساخت‌های حمل‌ونقل،
- (۹) وضعیت تولیدات کشاورزی،
- (۱۰) منابع و ذخایر معدنی و فسیلی،
- (۱۱) خطوط انتقال انرژی،
- (۱۲) وضعیت صنعت گردشگری،
- (۱۳) عضویت در نهادها، رژیم‌ها و همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی،
- (۱۴) منافع اقتصادی مشترک با کشورهای دیگر.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی

نظریه ناحیه مرکزی جدید (بیضی راهبردی انرژی): خلیج فارس و دریای خزر دو منطقه اصلی برآورنده نیاز روزافزون انرژی جهان در قرن بیست و یکم برای غرب اهمیت فراوانی دارند. انرژی موجود در اوراسیای مرکزی، منبعی ارزشمند برای کشورهای شرق و غرب و گزینه‌ای جهت تنوع‌بخشی به واردات انرژی است که در طول زمان نه تنها از نیاز واردات آن کاسته نشده، بلکه افزایش تقاضا در راستای انباشت سرمایه و افزایش تقاضای مصرف، افزایش عرضه را اجتناب‌ناپذیر ساخته است... میزان این ذخایر بین ۱۱۰ الی ۲۰۰ میلیارد بشکه نفت خام و ذخایر گاز آن مابین ۲۳۶ تا ۳۳۷ تریلیون فوت مکعب برآورد شده است که برابر با پنج تا هشت درصد ذخایر انرژی فسیلی جهان است و در جایگاهی بالاتر از ذخایر انرژی ایالات متحده و دریای شمال و در رتبه دوم پس از منطقه خلیج فارس قرار دارد (Kemp, 1997:14)؛ این واقعیت باعث شد تا «پروفسور جفری کمپ»، در سال ۱۹۹۷ م در نوشته‌اش، مجموعه سرزمین دربرگیرنده خلیج فارس و دریای خزر را «بیضی راهبردی انرژی» نام نهد. دو منطقه‌ای که سرزمین‌های ایرانی را در میان خود دارند و ایران چون پلی استراتژیک این دو منبع انرژی جهان را به هم پیوند می‌زند. چنین به نظر می‌رسد که کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده، رفته‌رفته با این واقعیت ژئوپلیتیک کنار می‌آیند که نه تنها منطقه مرکزی (هارتلند) به دنیای مطالعات ژئوپلیتیک بازگشته است، بلکه از محل قدیمی خود به سوی جنوب حرکت کرده و در میان دو دریای خزر و خلیج فارس جای گرفته است؛ به طوری که ایران در قلب این منطقه مرکزی جدید قرار می‌گیرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۸۵).

نظریه ژئواکونومی

تحلیل راهبردهای اقتصادی یک منطقه جغرافیایی را که از طرف دولت‌ها به منظور تقویت اقتصاد ملی یا بخش‌های حیاتی آن و به دست آوردن کلیدهای کنترل آن از طریق ساختار سیاسی اعمال می‌شود را «ژئواکونومی» می‌گویند. پایه و اساس این بحث، استدلالی است که «ادوارد لوت واک» در تقابل با ایده پایان تاریخ فرانسیس فوکویاما ارائه داد و در

آن فرض را بر این قرار داد که پایان جنگ سرد، باعث شده تا از اهمیت برخوردار بودن از توانایی‌های نظامی در رابطه با امور جاری دنیا به صورت مداوم کاسته شود و از سوی دیگر، بر اهمیت موضوعات اقتصادی، تولید، تجارت و بازرگانی افزوده شود. بر این اساس، ژئواکونومی از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است و به نظر می‌رسد سیاست که عاملی مهم در ژئوپلیتیک بوده، جای خود را به اقتصاد داده است (عزتی و ویسی، ۱۳۸۵: ۲۹). هدف اصلی ژئواکونومی، کنترل سرزمین‌ها و دستیابی به قدرت فیزیکی نبوده، بلکه دستیابی به استیلای فناوری و بازرگانی است که در نهایت شکل نوینی از هژمونی را در قالب توان اقتصادی در عرصه بین‌المللی پدید می‌آورد (عزتی، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

نظریه ارزش‌های جغرافیایی

«دکتر حافظ‌نیا»، در کتاب «اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک»، نظریه «ارزش‌های جغرافیایی» را بیان کرد. این نظریه بیانگر ارزش‌های جغرافیایی در قالب عناصر و متغیرهای ساختاری و فضای جغرافیایی است که هر یک می‌توانند در عرصه سیاست ملی و بین‌المللی نقش‌آفرینی نمایند. به نظر دکتر حافظ‌نیا، مکان‌ها و فضاها، جغرافیایی دارای موقعیت و محتوای ویژه‌ای هستند که به صورت ارزش‌های درک‌شده از سوی سازه‌های انسانی، ملت‌ها، دولت‌ها و گروه‌های بشری درمی‌آیند... ارزش‌های جغرافیایی که مطلوبیت سیاسی پیدا می‌کنند از ماهیت ژئوپلیتیکی برخوردار شده و در رفتار و کردار انسان‌ها به صورت گروهی یا فردی اثر می‌گذارند و الگوهای رفتاری مختلفی نظیر همکاری، همگرایی، تعامل، رقابت، ستیز، سلطه، تصرف، کنترل و نظایر آن را در بین آن‌ها می‌آفرینند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۷۲-۲۷۱). به‌طور کلی می‌توان گفت ارزش‌های جغرافیایی از ثبات و پایداری برخوردار نمی‌باشند. مثلاً بعضی از مکان‌ها و فضاها در گذشته دارای ارزش والایی بودند. در صورتی که امروزه دارای چنان اهمیتی نیستند و برعکس مناطق کم‌ارزش در گذشته، امروزه از ارزش ژئوپلیتیک بالایی برخوردار شده‌اند (حافظ‌نیا: ۳۲۱). همچنین ارزش‌های عوامل و متغیرهای مزبور نیز از ثبات و پایداری برخوردار نیستند و بسته به عوامل و مقتضیات مختلف به‌ویژه در بستر زمان و به

موازات تکامل و گسترش تکنولوژی، ظهور تشنجات جهانی، تغییرات عوامل حکومتی، این ارزش‌ها و نقش‌آفرینی آن‌ها دچار دگرگونی و تحول می‌شود (حافظ‌نیا به نقل از شکوئی، ۱۳۶۴:۲۴۴). ارزش سیاسی عناصر و عوامل ساختاری مکان و فضا و نیز کارکردهای آن از سیالیت و تحول‌پذیری برخوردار است... مثلاً دو نیروی متخاصم و رقیب می‌توانند به آن نگرش مثبت یا منفی داشته باشند. یعنی یکی از منظر فرصت به آن نگاه کند، درحالی‌که دیگری به آن نگرش تهدید داشته باشد... از این‌رو ارزش سیاسی یک عامل و عنصر مکانی یا فضایی، در طیفی از فرصت تا تهدید شناور و سیال می‌باشد و تعیین کارکرد فرصتی (مثبت) یا تهدیدی (منفی) برای آن نسبت به خود یا دیگران و رقبا، بستگی به تدبیر و راهبرد و یا استراتژی بازیگران سیاسی دارد. (حافظ‌نیا: ۳۱۹).

پیشینه شناسی:

الف) پروژه‌های تحقیقاتی

عنوان: چالش‌های فراروی ایران در دریای خزر

محقق: دکتر محمد فیروزیان، ۱۳۸۶، وزارت امور خارجه (معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی)

عنوان: پویش محیطی

محقق: فرزانه میرشاه ولایتی و فرهاد نظری‌زاده، سال ۱۳۸۹، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی وزارت دفاع

ب) رساله‌های دکتری

عنوان: وضعیت دریای خزر و اطراف آن قبل از شوروی تا به امروز

محقق: دکتر مصطفی گوکجه، ۲۰۰۷، دانشگاه آنکارا

عنوان: علایق ژئوپلیتیک و استراتژی ملی ایران نسبت به آسیای مرکزی

محقق: دکتر سید محمودرضا شمس دولت‌آبادی، ۱۳۸۶، دانشگاه عالی دفاع ملی

عنوان: خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ج.ا.ا با تکیه بر مورد دریای خزر
محقق: دکتر عباس ملکی، ۱۳۸۶، دانشگاه عالی دفاع ملی

ج) مقالات علمی - پژوهشی

عنوان: بررسی و تحلیل نقش خزر در معادلات ژئوپلیتیک منطقه‌ای
محققان: دکتر حسن کامران، دکتر زهرا احمدی‌پور و علی ولی‌قلی‌نژاد، ۱۳۸۹، فصلنامه

جغرافیا

عنوان: تأثیر محیط امنیتی منطقه‌ای بر سیاست دفاعی دولت‌ها
محقق: جهانگیر کرمی، ۱۳۸۰، فصلنامه سیاست دفاعی
عنوان: رابطه کیفی بین محیط جغرافیایی و امنیت ملی
محققان: حسین عساریان‌نژاد، محسن رستمی، لیلا مدبر، ۱۳۹۲، فصلنامه بین‌المللی

ژئوپلیتیک

عنوان: تحولات ژئوپلیتیک در حوزه دریای خزر و تغییر نقش قدرت‌های بزرگ در این
منطقه

محققان: دکتر حاکم قاسمی و زهرا نظری، ۱۳۹۰، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک

د) جمع‌بندی پیشنهادها

در فرایند پیشنهادشناسی، اثر پژوهشی منسجمی تحت عنوان مقاله حاضر یا مشابه آن مشاهده نگردیده است. نقطه تمایز اصلی این مقاله با پیشنهادها مذکور، اول در پرداختن به موضوع محیط از منظر «ژئوپلیتیکی» است و دوم تمرکز و کوشش فکری نگارنده معطوف به شناخت متغیرهای اقتصادی کشورهای حوزه دریای خزر است که بر منافع و امنیت ملی ج.ا.ا اثرگذارند می‌باشند که چنین اثری با این موضوع تاکنون در سطح کشور تدوین نگردیده است.

روش‌شناسی تحقیق

نوع تحقیق

نوع تحقیق در این پژوهش، «کاربردی» می‌باشد و نتایج آن در سطوح مختلف مراکز تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر در نهادهای مرتبط با سیاست‌گذاری خارجی و دستگاه‌های لشکری و کشوری برای انتخاب یا تدوین راهبردهای سیاست خارجی، امنیتی و دفاعی و اقتصادی کشور کاربرد دارد.

روش تحقیق

در این مقاله از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

قلمرو تحقیق

از لحاظ مکانی شامل، حوزه دریای خزر، جغرافیای این منطقه و کشورهای حاشیه این دریاست. از نظر زمانی نیز نتایج این پژوهش می‌تواند تا یک دهه قابل تعمیم باشد.

جامعه آماری تحقیق

با توجه به تخصصی بودن موضوع، جامعه آماری از بین خبرگان حوزه‌های امنیت ملی، ژئوپلیتیک، علوم اقتصادی، علوم سیاسی و خزرشناسی در سطوح کشوری و لشکری انتخاب گردیده است.

حجم نمونه

حجم نمونه ۵۰ نفر انتخاب گردیده است. روش نمونه‌گیری نیز غیر احتمالی و غیر گزینشی است.

روش‌ها و ابزارهای گردآوری اطلاعات

به دو روش کتابخانه‌ای (با بهره‌گیری از رساله‌ها، تحقیقات، کتب، مقالات، سایت‌های اینترنتی آکادمیک و نقشه‌های منطقه) و روش میدانی (به‌وسیله پرسشنامه) انجام شده است. **چگونگی تهیه پرسشنامه:** بر اساس مطالعات نظری و اکتشافی، متغیرهای اقتصادی کشورهای حوزه دریای خزر احصاء و پس از ارائه آن به افراد صاحب‌نظر و خبره مرتبط و مشورت با ایشان، به جامعه نمونه (۵۰ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران که برای پاسخگویی به این پرسشنامه پیش‌بینی شده بودند) ارائه گردید و در نهایت ۴۵ نفر از صاحب‌نظران به پرسشنامه پاسخ داده‌اند که جمع‌آوری و احصاء گردید. این پرسشنامه در دو سؤال به شرح زیر ارائه شد:

آیا این عامل می‌تواند به‌عنوان یک متغیر کلان اقتصادی کشورهای حوزه دریای خزر شناخته شود؟

در صورت تأیید، به نظر شما اثرگذاری این متغیر بر امنیت ملی ج.ا.ایران در حوزه دریای خزر به چه میزان است؟

روایی^۱ پرسشنامه: برای تعیین روایی پرسشنامه از فرمول ضریب لاوشه^۲ استفاده شده است.

$$C.V.R = \frac{NE - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

(C.V.R) = ضریب لاوشه، Ne = تعداد متخصصینی که گزینه مهم و مرتبط را برای سؤال انتخاب کرده‌اند، N = تعداد کل متخصصین)

محقق با نظر چند تن از استادان صاحب‌نظر، مقدار قابل قبول برای روایی هر پرسش را عدد ۰/۷ و به بالا (تأیید حداقل ۳۲ نفر از ۴۵ نفر پرسش‌شونده) مبنا قرار داده است. برابر محاسبات انجام‌شده توسط ضریب لاوشه، تعداد سه متغیر پرسشنامه به شرح ذیل که دارای ضریب کمتر از ۰/۷ بوده‌اند، حذف گردیده و به‌جز سه متغیر زیر، تمامی ۱۱ متغیر دیگر تأیید و روا دانسته می‌شود:

1. Validity
2. C. V. R (Content Validity Ratio)

(۲) سیاست‌های نامناسب اقتصادی، (۴) توزیع نامناسب ثروت و فساد مالی، (۶) قاچاق کالا و مواد مخدر.

در ضمن میانگین سؤالات باقیمانده به عنوان شاخص روایی کل، برای پرسشنامه محاسبه گردید که عدد ۰/۸۹۵ به دست آمده است. بنابراین پرسشنامه مزبور از روایی با اعتبار بالا برخوردار بوده و می‌توان نتیجه‌گیری نمود که سؤالات پرسشنامه این پژوهش به نحو مطلوب و قابل قبولی، اطلاعات علمی مورد نیاز این تحقیق را جمع‌آوری نموده است. پایایی پرسشنامه: برای محاسبه پایایی یا هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری، از آلفای کرونباخ استفاده گردید.

$$ra = \frac{k}{k-1} \left[1 - \frac{\sum s^2 k}{\sum s_t^2} \right]$$

$K =$ تعداد سؤال‌های پرسشنامه، $s^2 k =$ واریانس پاسخ‌های همه آزمودنی‌ها به سؤال k ام، $s_t^2 =$ واریانس جمع نمره‌های هر پاسخگو

ra : ضریب پایایی کرونباخ است که باید بیشتر از ۰/۷۵ باشد تا پایایی تأیید گردد.

با توجه به نتایج به دست آمده: «ضریب آلفای کرونباخ در تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ گردیده و در نتیجه همه متغیرهای روا دانسته شده، مورد تأیید قرار گرفته است. در ضمن ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۸۸ است که نشان‌دهنده پایایی خیلی خوب ابزار سنجش این تحقیق (پرسشنامه) می‌باشد».

محیط‌شناسی ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه دریای خزر (از منظر اقتصادی)

الف) موقعیت ژئواکونومیکی حوزه دریای خزر

حوزه دریای خزر با بیش از ۲۵۰ میلیون نفر جمعیت و برخورداری از ذخایر عظیم انرژی فسیلی و موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ممتاز، کانون توجه بین‌المللی و محل رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی شده است. انرژی موجود در دریای خزر، منبعی ارزشمند برای کشورهای شرق و غرب و گزینه‌ای جهت تنوع‌بخشی به واردات انرژی است که در طول زمان نه تنها از نیاز واردات آن کاسته نشده، بلکه افزایش تقاضا در راستای

انباشت سرمایه و افزایش تقاضای مصرف، افزایش عرضه را اجتناب‌ناپذیر ساخته است... و این در حالی است که بسیاری از ذخایر نفت و گاز منطقه اوراسیای مرکزی، توسعه نیافته‌اند و اغلب قلمروهای آن به‌ویژه در دریای خزر هنوز کشف نشده‌اند (امیراحمدیان، ۱۳۸۴: ۸). میزان این ذخایر بین ۱۱۰ الی ۲۰۰ میلیارد بشکه نفت خام و ذخایر گاز آن مابین ۲۳۶ تا ۳۳۷ تریلیون فوت مکعب برآورد شده است که برابر با پنج تا هشت درصد ذخایر انرژی فسیلی جهان است و در جایگاهی بالاتر از ذخایر انرژی ایالات متحده و دریای شمال و در رتبه دوم پس از منطقه خلیج فارس قرار دارد (Kemp, 1997: 14)؛ همچنین طبق تخمین وزارت انرژی آمریکا، جمهوری آذربایجان و قزاقستان به تنهایی بیش از ۱۳۰ میلیارد بشکه نفت را در خود جای داده که این خود بیش از سه برابر ذخایر نفتی آمریکا است. (Kelevman, 2004: 14)؛ بنابراین طبیعی است درحالی‌که بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، تقاضای جهانی سوخت‌های فسیلی بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۳۰ م، صددرصد افزایش خواهد داشت؛ قدرت‌های بزرگ و حتی متوسط امروزی در آرزوی کنترل محصولات انرژی (نفت و گاز) که پیرامون دریای خزر به‌وفور یافت می‌شود، باشند. (Duncan & al, 2004: 575)؛ اما به‌رغم این قابلیت‌ها، واگرایی‌های سیاسی و اقتصادی کشورهای منطقه، نامشخص بودن وضعیت رژیم حقوقی دریای خزر، اختلاف و کشمکش بر سر منابع نفتی و گازی آن و همچنین دخالت‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای، سبب ایجاد بحران‌های سیاسی، نظامی و زیست‌محیطی در این حوزه شده است که این تهدیدات، چشم‌انداز ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی حوزه دریای خزر را به مخاطره افکنده است.

ب) عوامل اقتصادی کشور آذربایجان

طبق قانون اساسی جمهوری آذربایجان، این کشور نظام اقتصاد بازار آزاد را پذیرفته است و از سال ۱۹۹۲ م سیاست آزادسازی قیمت‌ها از سوی دولت اعمال می‌شود. تولید ناخالص ملی: در برآوردهای آماری سازمان‌های بین‌المللی، بر رشد اقتصادی و افزایش مداوم تولید ناخالص ملی کشور آذربایجان تأکید شده است... تولید ناخالص داخلی

آذربایجان در سال ۲۰۱۸ میلادی نیز معادل ۴۶ میلیارد دلار بوده است (فارس نیوز: ۱۳۹۸/۳/۲۰)... شرکای صادراتی آذربایجان شامل ایتالیا، اندونزی، تایلند، آلمان، فرانسه، هند، روسیه، آمریکا می‌باشند. ابزار و ماشین‌آلات صنعتی، فرآورده‌های نفتی، مواد غذایی، فلزات و محصولات شیمیایی از عمده محصولات وارداتی این کشور هستند (جدیدی و دیگران: ۵۸) در حال حاضر ۹۰ درصد از درآمد صادراتی کشور آذربایجان از صادرات نفت و گاز است و ۱۰ درصد باقیمانده به صادرات فرآورده‌های غیرنفتی اختصاص دارد. سهم صدور نفت و گاز و فرآورده‌های وابسته به آن در سال ۲۰۱۹ میلادی به رقم ۹۱/۱۷ درصد کل صادرات آذربایجان افزایش یافته است. (همان: ۶۷) در نهایت سهم نفت و گاز در تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۸ میلادی به ۴۲/۵۶ درصد رسیده است (فارس نیوز: ۱۳۹۸/۳/۲۰).

منابع انرژی و طبیعی: جمهوری آذربایجان ذخایر اثبات‌شده نفت خود را حدود هفت میلیارد بشکه و ذخایر احتمالی را ۳۲ میلیارد متر مکعب اعلام نموده است (جدیدی و دیگران: ۶۷). مهم‌ترین منابع هیدروکربنی آذربایجان در سواحل دریای خزر و بخش‌های عمیق آن متمرکز شده‌اند و برخی از شرکت‌های بزرگ نفتی دنیا مشغول مطالعه بر روی این میدان‌ها می‌باشند که از این میان، قدیمی‌ترین میدان نفتی آذربایجان؛ یعنی قیرماکو از جمله میدان‌های اولیه تولید نفت جهان به شمار می‌رود (همان: ۱۳). همچنین آذربایجان میزان گاز طبیعی اثبات‌شده خود را حدود ۳۵ تریلیون فوت مکعب و ذخایر احتمالی را ۴۵/۱۳ تریلیون فوت مکعب اعلام نموده است (Kubicek, 2013: 146)؛ طبق آمارهای جهانی، این میزان برابر هفت درصد کل ذخایر اثبات‌شده جهان است... جمهوری آذربایجان موفق شده است تا ۴۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری‌های خارجی را در بخش نفت و گاز جذب کند (واحدی، ۱۳۸۵: ۶۲). میدان شاه دنیز بزرگ‌ترین میدان گازی در آذربایجان در آب‌های فراساحلی دریای خزر می‌باشد و ذخیره اقتصادی این میدان بالغ بر ۲۲ تریلیون فوت مکعب گاز می‌باشد. گاز تولیدی از این میدان به گرجستان و ترکیه و در نهایت به بازارهای اروپا می‌رسد (بیک بیلندی، ۱۳۹۵: ۱۴۳) پس از نفت و گاز، معادن سنگ آهن و فلزات غیرآهنی مهم‌ترین منابع طبیعی آذربایجان به شمار می‌روند؛ مثل معادن سنگ مرمر، معادن گوگرد،

معادن طلا، معادن الونیت در منطقه ناگلچ که غنی‌ترین معادن الونیت جهان است، معادن آلومینیوم در قره‌باغ که از اهمیت زیادی برخوردار است. اصلی‌ترین منابع غیر کانی این کشور جنگل‌هاست که ۱۱ درصد مساحت این کشور را پوشانده است (روحی قراباغ، ۱۳۸۸: ۶۰).

تولیدات صنعتی و کشاورزی: استیل، آهن، سیمان، محصولات نساجی و شیمیایی از صنایع این کشور به شمار می‌روند (همان: ۴۴). حجم تولید نیروی برق آذربایجان نیز بر اساس آمار کمیته دولتی آمار جمهوری آذربایجان، در سال ۲۰۱۸ میلادی به ۲۲،۵۲ میلیارد کیلووات ساعت رسیده است. آذربایجان با ترکیه، گرجستان، ایران و روسیه به مبادله انرژی پرداخته و تلاش دارد که از راه ایران به صادرات الکتریسیته به کشورهای افغانستان و عراق نیز بپردازد (امیراحمدیان، ۱۳۸۶: ۶۶). همچنین جمهوری آذربایجان به لحاظ دارا بودن زمینه‌های مساعد کشاورزی شرایط خوبی را برای رونق بخش کشاورزی دارد؛ اما به‌رغم وجود این امر، این جمهوری بیش از یک میلیارد دلار مواد غذایی در سال وارد می‌کند. آذربایجان تولیدکننده مواد کشاورزی نظیر غلات، پنبه، توتون، سیب‌زمینی، میوه‌ها، سبزی و چای نیز می‌باشد (امیراحمدیان، ۱۳۸۶: ۴۹-۴۸).

شبکه‌های ارتباطی حمل‌ونقل کالا و خطوط انتقال انرژی: آذربایجان دارای شبکه پیشرفته حمل‌ونقل است. اولین خط برقی حمل‌ونقل شهری شوروی در باکو ۱۹۲۶ م راه‌اندازی و نیز در ۱۹۶۶ م کلیه وسایل نقلیه در شبه‌جزیره آبشوران، برقی شد. اولین راه‌آهن این کشور در ۱۸۸۰ م باکو، صابونچی و سوراخانی را به هم متصل کرد. امروزه بخش قابل توجهی از شبکه راه‌آهن در این کشور، برقی است. ارتباط آذربایجان با ایران از طرق مختلف صورت می‌گیرد. یک خط بین‌المللی، راه‌آهن نخجوان را به تبریز وصل می‌کند، همچنین، خط آهن ساراشن - ماسس، ایروان نخجوان را به جلفای ایران پیوند می‌دهد (شیرودی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

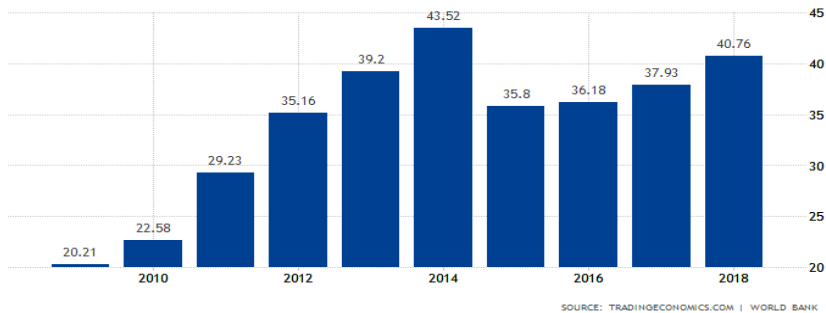
وضعیت اشتغال، رفاه و معیشت مردم: در پی فروپاشی شوروی، جمهوری آذربایجان با مشکلات باقی‌مانده دوران کمونیسم اعم از تغییر نظام اقتصادی کمونیستی، محرومیت مردم از امکانات رفاهی و ملزومات اولیه معیشتی، احتکار، اختلاس و رشوه‌خواری مواجه شد که همچنان گریبانگیر این کشور است (روحی قره‌باغ، ۱۳۸۸: ۱۳۵)؛ واقعیت این است که

پیشرفت اصلاحات اقتصادی آذربایجان محدود بوده و شکاف عمیق بین اقشار فقیر و غنی جامعه آذربایجان به حد بالایی رسیده است. به طوری که ۸۰ تا ۹۰٪ ثروت‌های ملی این کشور در یک دایره بسته در اختیار ۵٪ جامعه قرار دارد (همان)؛ فساد اقتصادی و اداری در بخش‌هایی از سیستم دولتی و خصوصی نیز به عنوان شکاف و مانعی در راه توسعه اقتصادی این کشور قرار گرفته است (دمیرچی‌لو، ۱۳۹۰: ۹۸-۱۰۰). البته اخیراً عملکرد مثبت اقتصاد آذربایجان در گزارش بانک جهانی انعکاس یافته است. آخرین داده‌های بانک جهانی در سال ۲۰۱۴ م نشان می‌دهد که خط فقر در آذربایجان کاهش یافته و میزان تورم این کشور هم در حد قابل توجهی کاهش داشته است (جدیدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۰).

ج) عوامل اقتصادی کشور ترکمنستان

اقتصاد ترکمنستان دولتی و دارای بخش خصوصی کوچک است. پس از استقلال ترکمنستان از شوروی، رهبران سیاسی این کشور شروع به طراحی راهبرد اقتصادی کردند که دارای سه محور است: خصوصی‌سازی؛ اصلاحات اقتصادی و افزایش تولید؛ تبدیل ترکمنستان به مرکز ترانزیت آسیای مرکزی (یاسوری، ۱۳۸۳: ۸۹).

تولید ناخالص داخلی: با وجود تلاش‌های پس از استقلال، ترکمنستان همانند گذشته صادرکننده مواد اولیه و واردکننده کالاهایی چون مواد دارویی، لوازم بهداشتی، ماشین‌آلات و تجهیزات کارخانه‌ای است (شیرودی، ۱۳۹۰: ۱۲۴). بر اساس فهرست اعلامی صندوق بین‌المللی پول در خصوص رده‌بندی اقتصادی کشورها، ترکمنستان با ۴۲/۷۶۴ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی در رده ۹۲ جهان قرار دارد (صندوق بین‌المللی پول: اکتبر ۲۰۱۸). از این میزان، حداقل ۱۰٪ آن مربوط به محصولات کشاورزی، ۶۵٪ محصولات صنعتی و ۲۵٪ آن مربوط به فعالیت‌های خدماتی بوده است. صادرات این کشور معمولاً به صورت مواد خام می‌باشد. گاز طبیعی، نفت خام و تولیدات نفتی این کشور حدود ۸۰ درصد صادرات را به خود اختصاص می‌دهد. جمعیت اندک و منابع فراوان برای رفع نیازهای ملی از عواملی است که این کشور را به یک کشور ثروتمند در آینده تبدیل خواهد کرد (محمدی، ۱۳۹۳: ۳۲).



تولید ناخالص داخلی ترکمنستان از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸

(<http://fa.tradingeconomics.com/turkmenistan/gdp>)

ترکمنستان بالاترین نرخ رشد اقتصادی را در بین کشورهای آسیای مرکزی داراست. بر اساس نتایج سال ۲۰۱۹، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ترکمنستان در میزان ۶/۳ درصد نگه داشته شده و حجم تولیدات این کشور به نسبت مدت مشابه در سال ۲۰۱۸، ۶/۹ درصد افزایش یافته است (سایت اتاق مشترک ایران و ترکمنستان: ۱۳۹۸/۱۰/۶).

منابع انرژی و طبیعی: ترکمنستان در فهرست چهار کشور بزرگ تولیدکننده گاز طبیعی و چهار کشور تولیدکننده نفت در شوروی، قرار دارد. بر اساس آمار شرکت «بریتیش پترولیوم»، میزان ذخایر نفتی به اثبات رسیده ترکمنستان ۰/۶ میلیارد بشکه و میزان ذخایر گاز طبیعی به اثبات رسیده آن ۲۸۶/۲ تریلیون فوت مکعب (مقام چهاردهم جهان) تخمین زده شده است. بر اساس پیش‌بینی‌های دولتی، میزان تولید نفت این کشور در سال ۲۰۳۰ م حدود ۱/۶ میلیون بشکه در روز و میزان گاز تولیدی به ۸/۸۳ تریلیون فوت مکعب در سال ۲۰۳۰ م خواهد رسید. ترکمنستان به علت داشتن گاز، قابلیت تولید انرژی برق را داشته و در زمان شوروی نیروگاه‌های متعددی در این جمهوری نصب شده است و توان تولید برق بالایی را داراست (سارولی، ۱۳۸۱: ۶۲). ترکمنستان معادن زیادی نیز در اختیار دارد. علاوه بر آن در خلیج قره‌باز در دریای خزر این کشور انواع نمک‌های معدنی نظیر نمک خام را استخراج می‌کند. در این منطقه موادی همچون میرابیلیت و دیگر مواد پرارزش وجود دارند (احمدی‌پور؛ ۱۳۸۹: ۳۳).

صادرات انرژی: ترکمنستان برای ایجاد تنوع در بازار مصرف و صادرات، مجدانه پیگیر فراهم نمودن امکان صادرات می‌باشد. بر اساس آمار و اطلاعات دولت ترکمنستان، ذخایر گازی این کشور، ظرفیت صادرات گاز این کشور را به اروپا برای ۲۰ سال آینده خواهد داشت.

خطوط لوله انتقال گاز عملیاتی و پیشنهادی ترکمنستان

خط لوله پیشنهادی انتقال گاز ترانس افغان: گاز ترکمنستان را از طریق افغانستان به پاکستان صادر خواهد کرد.

خط لوله انتقال گاز آسیای مرکزی: گاز ترکمنستان و ازبکستان را از طریق قزاقستان به روسیه منتقل می‌کند.

خط لوله انتقال گاز ترکمنستان - چین:

خط لوله انتقال ترانس کاسپین: گاز ترکمنستان را از طریق باکو و تفلیس به ترکیه و اروپا صادر می‌کند.

خط لوله انتقال گاز کرپچه - کردکوی: گاز ترکمنستان را به ایران صادر می‌کند.

خط لوله ترکمنستان - ایران - ترکیه: مطالعات امکان‌سنجی آن انجام شده است (تقوی اصل، ۱۳۸۷: ۱۲۶).

تولیدات صنعتی و کشاورزی: صنایع این جمهوری نیز حدود ۲۰٪ از تولید ملی را در برمی‌گیرد و یک سوم این صنایع شامل ۶۱ مؤسسه در زمینه فراوری پنبه فعال می‌باشند. یک سوم نیز شامل ۳۸ مؤسسه دولتی در امور گاز و نفت و پتروشیمی و تولید برق فعال هستند (تقوی اصل، ۱۳۸۷: ۱۲۵). در این کشور از آب دریای خزر با استفاده از صنایع آب‌شیرین‌کن، آب شیرین جهت مصرف در بخش‌های صنعتی و عمومی استحصال می‌گردد (احمدی‌پور؛ ۱۳۸۹: ۳۳). محصولات کشاورزی این کشور شامل پنبه، گندم، دام، پرورش کرم ابریشم، شیلات و... می‌شود. در دوران شوروی برای توسعه کشت پنبه اقدام به حفر کانالی در صحرای ترکمنستان شده که بزرگ‌ترین کانال مصنوعی جهان به حساب می‌آید و یکی از شاهکارهای مهندسی است. با توجه به خاصیت بیابانی این سرزمین و

عدم پذیرش یکجانشینی عشایر دامدار ترکمن، ایجاد کانال قره‌قوم شرایط اسکان اجباری عشایر را برای حکومت استالین فراهم ساخت (کولایی، ۱۳۹۲: ۲۳۷). مهم‌ترین محصول ترکمنستان کتان است که بیش از نیمی از زمین‌های کشاورزی این کشور را در برمی‌گیرد و از نظر تولید کتان دهمین کشور جهان است (تقوی اصل، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

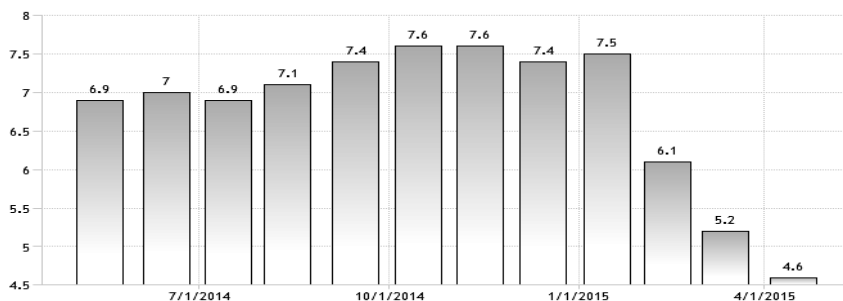
شبکه‌های ارتباطی و حمل‌ونقل: اگر تبدیل ترکمنستان به مرکز ترانزیت آسیای میانه به‌طور کامل محقق شود، تحولی شگرف در اقتصاد آن کشور روی خواهد داد. مهم‌ترین وسیله ارتباطی در این جمهوری، راه‌آهن است. اصلی‌ترین شبکه راه‌آهن ترکمنستان از بندر ترکمن‌باشی آغاز و تا شرقی‌ترین مناطق کشور امتداد می‌یابد. در سال ۱۹۹۲ م اولین قطار مسافری کار خود را با مرتبط ساختن با آلماتا، پایتخت قزاقستان شروع کرد و این ارتباط ۱۳۵۰ کیلومتری باعث شد تا ارتباط جمهوری‌های آسیای مرکزی با خط آهن چین برقرار گردد و در سال ۱۹۹۴ م خط آهن سرخس - تجن با ۳۰۸ کیلومتر (۱۳۲ کیلومتر در خاک ترکمنستان و ۱۷۶ کیلومتر در خاک ایران) افتتاح و برای اولین بار ارتباط کشورهای آسیای مرکزی از طریق خط آهن ج.ا.ایران با آب‌های آزاد برقرار شد (سارولی، ۱۳۸۱: ۶۳).

د) عوامل اقتصادی کشور قزاقستان

اقتصاد قزاقستان مبتنی بر اصول اقتصاد بازار آزاد و خصوصی‌سازی است و در میان سایر کشورهای آسیای مرکزی دارای اقتصاد توسعه‌یافته‌تری است. قزاقستان در سال ۱۹۹۱ م به کشورهای مشترک‌المنافع پیوست.

تولید ناخالص داخلی: بخش عمده اقتصاد قزاقستان بر پایه صادرات نفت و گاز، منابع معدنی و محصولات کشاورزی استوار است. تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۷ م، معادل ۱۵۹/۴ میلیارد دلار بوده است (بانک جهانی: ۲۰۱۷). در حال حاضر میزان ذخایر ارز و طلا در این کشور رقمی معادل ۲۹ میلیارد دلار می‌باشد. نرخ تورم نیز در سال ۲۰۱۵ م معادل ۵/۶ درصد و جمعیت زیرخط فقر ۸/۱۳ درصد بوده است. در حال حاضر بیش از هشت میلیون نفر نیروی کار در این کشور وجود دارد که از این تعداد حدود ۱۹ درصد در

بخش کشاورزی، ۲۹ درصد در بخش صنعت و ۵۲ درصد در بخش خدمات مشغول به کار هستند (بیک به نقل از موقرحسنی، ۱۳۹۵: ۱۸۰).



نرخ تورم قزاقستان از ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵

(<http://fa.tradingeconomics.com/kazakhstan>)

منابع انرژی و طبیعی: بر اساس آمارهای موجود، قزاقستان بیشترین ذخایر نفتی را در دریای خزر در اختیار دارد. علاوه بر اکتشافات دوران شوروی در این کشور، در سال ۱۹۹۳ م یک میدان بزرگ موسوم به «تنگیز» که در منتهی‌الیه شمال شرقی دریای خزر قرار دارد کشف شد که یکی از بزرگ‌ترین میدان‌های نفتی دریای خزر است (احمدی‌پور، ۱۳۸۹: ۳۵)؛ از دیگر میدان‌های این منطقه میدان بزرگ کارچاگاناک^۱ است (موسوی روح‌بخش، ۱۳۸۰: ۴۵)؛ در حال حاضر تولید نفت این کشور حدود یک میلیون بشکه در روز است. ذخایر گاز قزاقستان در ارزیابی‌های رسمی بین هفت تا هشت تریلیون متر مکعب برآورده شده، اما برخی آمارها این میزان را بیش از ۳۰ تریلیون متر مکعب تخمین زده‌اند. میزان تولید گاز در این کشور نیز حدود ۱۰ میلیارد متر مکعب است (همان: ۸۶). در خصوص انرژی هسته‌ای، قزاقستان به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده سوخت اورانیوم برای نیروگاه‌های برق هسته‌ای، علاقه زیادی به توسعه برق هسته‌ای دارد؛ لذا در این خصوص، قزاقستان با روسیه و ژاپن جهت احداث کارخانه برق هسته‌ای رایزنی و عملیاتی کرده است. در بخش مواد معدنی، این کشور یکی از غنی‌ترین کشورهای جهان محسوب می‌شود. زغال‌سنگ، طلا، روی، آلومینیوم، منگنز، بوکسیت، اورانیوم (۲۵ درصد ذخایر جهان)، تیتانیوم، قلع، تنگستن

(بزرگ‌ترین تولیدکننده تنگستن در جهان) مس و کروم، عمده‌ترین اقلام معدنی این کشور محسوب می‌شوند و از نظر ذخایر طلا نیز مقام هفتم را در جهان دارد (بیک بیلندی، ۱۳۹۵: ۱۸۱)؛ از لحاظ مواد معدنی و طبیعی بین کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (به‌جز روسیه) مقام اول را دارا می‌باشد (وزارت خارجه، ۱۳۷۹: ۲۵).

تولیدات کشاورزی و صنعتی: با توجه به تنوع اقلیم و وسعت سرزمین این جمهوری، یک‌پنجم زمین‌های کشت دیم شوروی در قزاقستان قرار داشت. ۳۷٪ تولیدات این جمهوری محصولات کشاورزی شامل غلات می‌باشد. دیگر محصولات آن عبارت‌اند از: تولید میوه (به‌ویژه انگور)، سبزی، نیشکر، سیب‌زمینی و پنبه، دامداری برای تهیه گوشت و محصولات لبنی، پرورش گوسفند برای تهیه پشم و پوست آستاراخانی. از فعالیت‌های دیگر صنایع ماهیگیری است که پیشرفت فراوانی در این کشور داشته است (تقوی اصل، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

سرمایه‌گذاری خارجی: نیمی از تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قزاقستان متعلق به اتحادیه اروپا است. بسیاری از شرکت‌های نفت و گاز غربی مانند شورون در این کشور فعال هستند (بیک بیلندی به نقل از موقر حسنی، ۱۳۹۵: ۱۸۲)؛ روابط چندوجهی قزاقستان با روسیه می‌تواند سرمایه‌گذاران اروپایی و آمریکایی را دچار هراس کند. مقررات اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۱ نیز می‌تواند توانایی قزاقستان برای جذب سرمایه‌گذاران را دچار آسیب کند. اقتصاد قزاقستان به روسیه مرتبط است و تحریم‌های اعمال‌شده علیه روسیه به اقتصاد قزاقستان صدمه رسانده است. ائتلاف‌های سیاسی آستانه می‌تواند مانعی در رسیدن به وضعیت مطلوب باشد (همان).

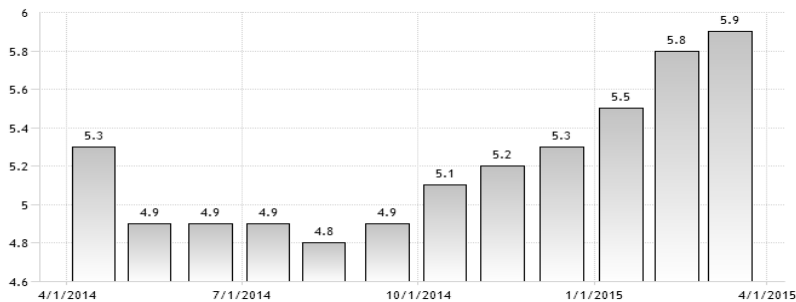
شبکه‌های ارتباطی و حمل‌ونقل: با وجود عدم ارتباط با دریای آزاد، قزاقستان از پتانسیل ترانزیتی بالایی به‌عنوان پلی بین اروپا و آسیا برخوردار است. در حال حاضر قزاقستان اقداماتی را به عمل آورده است تا ارتباط اقتصادی و تجاری خود را در طول مسیر مشهور راه ابریشم تقویت کند. هم‌اکنون، قزاقستان دارای ارتباط حمل‌ونقلی (ریلی، جاده‌ای و هوایی) به چین است و می‌تواند کالاهای اروپا و آسیا را به هر نقطه‌ای از چین و

آسیای جنوب شرقی انتقال دهد. این کشور همچنین از راه دریای خزر به ایران متصل است. خاک وسیع قزاقستان، تراکم جمعیت کم، مسافت‌های طولانی بین مکان‌های پرجمعیت و دور ماندن از بازارهای جهانی، سیستم حمل و نقل در قزاقستان را حیاتی جلوه می‌دهد. «خط راه‌آهن ماورای خزر» که در ترکمنستان از بندر کراسنودسک در شرق دریای خزر شروع و به طرف شرق وارد ازبکستان می‌شود و سپس به راه‌آهن سراسری قزاقستان متصل گردیده و از آنجا به خط آهن ماورای سیبری می‌پیوندد، مهم‌ترین خط سراسری آسیای مرکزی است که علاوه بر آنکه نقش مهمی در جابجایی و انتقال کالا دارد از نظر حمل و نقل مسافر نیز حائز اهمیت می‌باشد. طول خطوط راه‌آهن این کشور ۱۳۷۰۰ کیلومتر و خطوط ریلی برقی این کشور نیز ۳۷۰۰ کیلومتر است. همچنین تعداد کل فرودگاه‌های قزاقستان ۳۶۵ فرودگاه بوده که از این تعداد در حال حاضر ۱۵۲ فرودگاه قابل استفاده است. شبکه راه‌های آبی این کشور حدود ۴۰۰۰ کیلومتر است. این راه‌ها منحصر به رودهای وسیعی مانند سیر دریا، ایرتیش بوده و قسمت‌هایی از دریای خزر و نیز دریاچه آرال و بالخاش که قابلیت کشتیرانی دارد، می‌باشد (بیک به نقل از موقرحسنی، ۱۳۹۵: ۱۸۳). همچنین در این کشور سیاست سرمایه‌گذاری به‌سوی مدرن‌سازی جاده‌های فعلی و احداث مسیرهای جدید داخلی و بین‌المللی هدف‌گذاری شده است (عابدینی، ۱۳۸۴: ۱۴۹).

ه) عوامل اقتصادی کشور روسیه

اقتصاد روسیه از اوایل دهه ۱۹۹۰ م با تجزیه نظام برنامه‌ریزی متمرکز این کشور و جایگزینی آن با اقتصاد بازار دچار تغییرات قابل توجهی شد. این اقتصاد با وجود برخورداری از بخش عمده‌ای از منابع ارزشمند جهان و شمار قابل توجهی از نیروی‌های انسانی متخصص، همچنان در طی مسیر گذار با مشکلاتی مواجه است. این مشکلات به حاکمیت نیروهای بازاری (به‌جای نیروهای کنترل - دستور نظام برنامه‌ریزی متمرکز)، فقدان تخصص کافی در هدایت اقتصاد از طریق نیروهای بازاری، زیرساخت‌های تجزیه‌شده و ناکارآمدی سیستم‌های عرضه بازمی‌گردد. با اجرای سیاست گسترش مالکیت

خصوصی برای انتقال به نظام اقتصادی بازار، بسیاری از صنایع به بخش خصوصی واگذار شد. در واقع شماری از خریداران آن همان نخبگان سیاسی دوران اتحاد شوروی بودند که با بهره‌گیری از موقعیت‌های برتر، در نظام جدید نیز اهرم‌های نفوذ و اقتدار خود را از دست نداده بودند (کولایی، ۱۳۹۲: ۱۶۲)؛ نرخ بیکاری نیز در این کشور از سال ۲۰۱۴ م سیر صعودی داشته و به عدد ۵/۹ رسیده است (نمودار).



نمودار شماره ۵-۳- نرخ بیکاری در کشور روسیه

(<http://fa.tradingeconomics.com/russia/unemployment-rate>)

منابع انرژی و طبیعی: روسیه ۳۱ درصد کل ذخایر گاز جهان را در کنترل دارد. اهمیت روسیه در بخش گاز بسیار بیشتر از اهمیت عربستان سعودی در تولید نفت است (اسدی‌کیا، ۱۳۸۹). بخش انرژی مهم‌ترین بخش اقتصاد روسیه به لحاظ کمکی است که به درآمدهای صادراتی روسیه می‌کند و در این میان شرکت‌های انرژی روسیه وجه مهم سیاست روسیه نسبت به کشورهای خارج نزدیک است (شوری، ۱۳۸۶: ۲۷). انرژی در روسیه در انحصار دولت است و سه شرکت بزرگ گازپروم، ترانس نفت و یو.ای.اس^۱ غول‌های مطرح در صنعت انرژی روسیه به شمار می‌روند. سیاست دولتی انرژی، اولویت‌های راهبردی با توسل به کنترل زیرساخت‌ها و سیستم‌های تعرفه‌ای و مالیات‌ها را بر شرکت‌ها تحمیل می‌کند. شرکت‌های انرژی در چهارچوب اختیارات دولتی، در پاسخ به وضعیت بازار، به‌طور مستقل عمل می‌کنند. ترانس‌نفت، انحصار خط لوله نفتی روسیه و نفوذ قابل توجهی بر زیرساخت انتقال و حمل نفت روسیه دارد. یو.ای.اس که اکثریت سهام آن دولتی است، بر بخش الکتریسیته روسیه تسلط کامل

دارد و در چند کشور CIS (کشورهای مستقل مشترک‌المنافع) نیز فعال است. گازپروم بزرگ‌ترین شرکت تولیدکننده گاز در جهان، با حدود ۳۰۰۰۰۰ نفر کارمند، مسئول تولید ۲۰ درصد کل تولید گاز جهان است. دولت روسیه بزرگ‌ترین سهامدار گازپروم دارای ۳۸/۳۷ درصد کل سهام این شرکت گازی است؛ بنابراین گازپروم به‌عنوان ابزار دولت روسیه محسوب می‌شود و منافع ماورای بحار گازپروم با منافع دولت و سیاست‌های روسیه یکی است. گازپروم به تعداد زیادی از کشورها از جمله آلمان، چک، اسلواکی، لهستان، فنلاند، بلغارستان، رومانی، یوگسلاوی، اسلوانی، لتونی، لیتوانی، کرواسی، یونان، بوسنی، مقدونیه، اکراین، مولداوی و بلاروس صادرات گاز دارد (شوری، ۱۳۸۶: ۲۵-۲۳).

تولیدات صنعتی و کشاورزی: در صنعت هسته‌ای، روسیه به‌عنوان یکی کشورهای برتر جهان، در زمینه تعداد نیروگاه‌های اتمی ساخته‌شده در خارج از کشور شناخته شده است. سهم روسیه ۱۶ درصد از بازار خدمات در این بخش است. در آغاز سال ۲۰۱۴ م بهای بسته سفارشات «روس اتم» به ۹۸ میلیارد دلار رسید. اکنون این شرکت آماده است ۲۰ بلوک انرژی را در کل جهان بسازد. فناوری‌های جدید و تجربه زیاد، روسیه را در جمع سردمداران این رشته در بازار خدمات قرار می‌دهد (www.sputniknews.com). همچنین یکی از منابع اصلی درآمدی روسیه مربوط به تولیدات صنعتی در حوزه تسلیحات متعارف می‌باشد که همواره بخش اساسی از صادرات سالانه روسیه را به خود اختصاص می‌دهد. در حوزه کشاورزی، در کنگره هفتم در سال ۱۹۹۲ م، روسیه تلاش کرد به‌طور جدی برنامه خصوصی‌سازی کشاورزی را تحقق بخشد (محمدی، ۱۳۹۳: ۳۷)؛ تشکیل تعاونی‌ها بر اساس مالکیت کشاورزان و ایجاد شرکت‌های سهامی یکی از شیوه‌های رایج در جریان توزیع مجدد اراضی کشاورزی در روسیه بوده است. با توجه به ایجاد انگیزه‌های جدید فعالیت در کشاورزان بر اساس کسب سود، در برخی از نواحی رشد تولیدات کشاورزی تحقق یافت. عقب‌ماندگی فنی در بخش کشاورزی نیز آثار زیانباری داشته است. در شرایط فعلی در روسیه، ضرورت تأمین سرمایه در بخش کشاورزی اعتبار خود را بازیافته است (کولایی، ۱۳۹۲: ۱۷۰).

شبکه‌های ارتباطی و حمل و نقل: خطوط آهن روسیه بیش از ۸۶۰۰۰ کیلومتر مسیر عمومی و چند صد کیلومتر مسیر صنعتی دارد که از این لحاظ پس از ایالات متحده، بزرگ‌ترین شبکه خطوط آهن در جهان محسوب می‌شود. شرکت بین‌المللی راه آهن روسیه با ۹۵۰ هزار کارمند، یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های کاری جهان نیز به حساب می‌آید (جعفری، ۱۳۸۹: ۳۰۲). شبکه خط آهن روسیه مسئول ۲/۵ درصد از سود ناخالص کشور روسیه است. این خط آهن با کشورهای چین، فنلاند، استونی، لاتویا، لیتوانی، بلاروس، اوکراین، گرجستان، آذربایجان، قزاقستان، مغولستان، چین، کره شمالی (در حال احداث) و لهستان اتصال ریلی دارد (محمدی، ۱۳۹۳: ۹۹).

تجزیه و تحلیل و یافته‌های تحقیق

الف) تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های حاصل از پرسشنامه با استفاده از دو آزمون زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است:

آزمون همگن بودن (تحلیل عامل تأییدی) (با استفاده از نرم‌افزار Smart P.L.S)

آزمون فریدمن

آزمون همگن بودن: این آزمون مطابق با نظر «تنن هاوس: ۲۰۰۵» کلید ورود به آزمون‌های دیگر است. منظور از همگن بودن این است که سؤالات یک مجموعه باید هم‌جنس و حول یک محور باشند و متغیرها دقیقاً بعد متناظر خود را بسنجند. مطابق با نظر «هیر ۲۰۱۰» اگر بارهای عاملی بالای ۰/۷ باشد، سؤالات آن مجموعه همگن می‌باشد.

جدول بارهای عاملی مدل اندازه‌گیری انعکاسی اولیه		
بار عاملی	متغیرهای اقتصادی	
0/734	جایگاه قدرت اقتصادی کشور در منطقه و جهان	
0/735	وضعیت اشتغال، رفاه و معیشت مردم	
0/727	میزان صادرات و واردات انرژی، کالا و خدمات	
0/793	وضعیت صنعت و فناوری	
0/805	شبکه‌ها و زیرساخت‌های حمل‌ونقل	
0/797	وضعیت تولیدات کشاورزی	
0/778	منابع و ذخایر معدنی و فسیلی	
0/739	خطوط انتقال انرژی	
0/751	وضعیت صنعت گردشگری	
0/781	عضویت در نهادها، رژیم‌ها و همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی	
0/778	منافع اقتصادی مشترک با کشورهای دیگر	

تحلیل: با توجه به نتایج آزمون همگن بودن، تمامی بارهای عاملی بالای ۰/۷ می‌باشد. از طریق این آزمون مشخص شد که متغیرهای زیرمجموعه بعد اقتصادی همگن و از یک جنس بوده و تمام متغیرهای تحقیق قابلیت سنجش بُعد متناظر خود؛ یعنی بُعد اقتصادی را دارند. بنابراین هیچ کدام از متغیرهای نقش‌آفرین در این بُعد حذف نمی‌گردد و همه این متغیرها دارای اهمیت بوده و باید مورد بررسی قرار گرفته و جانمایی گردند.

آزمون فریدمن: رتبه‌بندی و اولویت‌بندی متغیرهای نقش‌آفرین در بُعد اقتصادی با استفاده از آزمون فریدمن و به شرح زیر صورت گرفته است:

رتبه‌بندی و اولویت‌بندی متغیرهای اقتصادی با آزمون فریدمن			
رتبه	Mean Rank	متغیرها	
9	4.54	جایگاه قدرت اقتصادی کشور در منطقه و جهان	
8	5.57	وضعیت اشتغال، رفاه و معیشت مردم	
10	4.13	میزان صادرات و واردات انرژی، کالا و خدمات	
11	3.92	وضعیت صنعت و فناوری	
3	6.85	شبکه‌ها و زیرساخت‌های حمل‌ونقل	
7	6.39	وضعیت تولیدات کشاورزی	
1	7.30	منابع و ذخایر معدنی و فسیلی	
4	6.81	خطوط انتقال انرژی	
5	6.78	وضعیت صنعت گردشگری	
2	7.25	عضویت در نهادها، رژیم‌ها و همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی	
6	6.46	منافع اقتصادی مشترک با کشورهای دیگر	

تحلیل: بر اساس رتبه بندی به دست آمده توسط آزمون فریدمن طبق جدول فوق، در بین متغیرهای اقتصادی نقش آفرین در محیط پیرامون ایران در حوزه خزر که بر امنیت و منافع ملی کشور مؤثر می باشند، متغیر دهم «منابع و ذخایر معدنی و فسیلی» رتبه اول را دارا بوده و اولویت اول شناخته می شود و متغیر هفتم «وضعیت صنعت و فناوری» رتبه آخر را دارا بوده و درجه اهمیت آن از متغیرهای دیگر کمتر می باشد. لذا در بررسی بُعد اقتصادی محیط ژئوپلیتیکی حوزه خزر، متغیر «منابع و ذخایر معدنی و فسیلی» منطقه در اولویت بررسی قرار دارد و سپس سایر متغیرها مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

یافته های تحقیق

متغیر یکم: جایگاه قدرت اقتصادی کشور در منطقه و جهان

در بُعد اقتصادی، بررسی جایگاه قدرت اقتصادی کشورهای حوزه دریای خزر در منطقه و جهان، یک مؤلفه بسیار مهم از بابت افزایش قدرت ملی و اثرگذاری این کشورها بر روند تصمیمات و سیاست های بین المللی و منطقه ای، محسوب شده و در نوع نگاه، تصمیمات و راهبردهای کلان کشور ایران نسبت به این محیطها اثرگذار خواهد بود. توانمندی اقتصادی کشورهای این حوزه و رشد یا افت قدرت اقتصادی این کشورها، از یک جهت تابع مؤلفه های بسیاری در حوزه های اقتصادی می باشد و از طرف دیگر واجد فرصت ها و تهدیدات متنوعی برای ایران، از جهت میزان حضور و نفوذ اقتصادی در این مناطق خواهد بود که این امر در مؤلفه های قدرت ملی و امنیت ملی ج.ا.ا بسیار اثرگذار است و بدین جهت نیازمند بررسی می باشد.

متغیر دوم: سیاست های نامناسب اقتصادی

کشورهای حوزه خزر با توجه به ظرفیت های بالقوه خود، هرکدام به نوعی با فرصت هایی برای توسعه اقتصادی مواجه می باشند. انتخاب سیاست ها و الگوهای توسعه اقتصادی نامناسب که منجر به شکوفایی اقتصادی و ارتقاء سطح زندگی مردم نشود،

می تواند به افزایش بی ثباتی منجر شود. افزایش درآمدهای برخی از کشورهای منطقه از فروش منابع طبیعی نیز به اختلاف سطح زندگی مردم این کشورها منجر می شود و مهاجرت های ناشی از علایق اقتصادی را به وجود می آورد که در نتیجه به قطب بندی قومی تبدیل شده و امنیت منطقه ای من جمله ایران را با تهدید مواجه خواهد نمود.

دلایل عدم تأیید متغیر دوم (سیاست های نامناسب اقتصادی)

دولت های همسایه ایران در مرزهای شمالی، حکومت های به ظاهر دموکراتیک ولی در باطن اقتدارگرا محسوب می شوند و در این نوع حکومت های اقتدارگرا، این نکته باید مدنظر قرار گیرد که طبیعتاً هرگونه قوانین، راهبردها و رفتار این کشورها در حوزه سیاست خارجی، اقتصادی، دفاعی - امنیتی، فرهنگی - اجتماعی و... متأثر از نوع نگاه حاکمان و یا هیئت حاکمه این کشورها به این مسائل خواهد بود و به این بستگی خواهد داشت که در هر حوزه، اقدامات مدنظر هیئت حاکمه این کشورها چگونه است. پس با توجه به اثرگذاری بسیار بالای عوامل سیاسی بر سیاست های اقتصادی این کشورها، لازم است در ذیل عوامل سیاسی محیط پیرامونی مورد مذاقه قرار گیرد. از طرف دیگر، به کار بردن اصطلاح «نامناسب» موجب جهت دهی به این مؤلفه گردیده و به اعتقاد نگارنده، این متغیر بنا به دلایل فوق، از نظر پرسش شوندگان واجد امتیاز لازم نگریده است.

متغیر سوم: وضعیت اشتغال، رفاه و معیشت مردم

رشد اقتصادی کشورهای حوزه خزر در صورتی که با افزایش اشتغال، کاهش تورم، تقویت سطح درآمدی و معیشت مردم همراه شود، موجب تقویت امنیت اقتصادی مردم و در نهایت موجب تقویت قدرت اقتصادی و در پیامد آن موجب تقویت قدرت ملی کشورهای حوزه خزر خواهد شد. برعکس، عدم اراده، توانمندی یا کارایی دولت ها در ایجاد اشتغال و تقویت معیشت و رفاه مردم، موجب نارضایتی عمومی، کاهش سرمایه اجتماعی این حکومت ها، کاهش راندمان شغلی و... می گردد که بر میزان قدرت اقتصادی

این کشورها اثرگذاری منفی خواهد داشت. از طرفی در مناسبات اقتصادی بین ایران و همسایگان شمالی، افزایش یا کاهش رفاه اقتصادی که در کیفیت قدرت خرید مردم اثرگذار است، زمینه افزایش یا کاهش بازارهای صادراتی ایران را در کشورهای هدف پدید می‌آورد. همچنین نبود اشتغال و کاهش توانمندی مردم این کشورها در تأمین معیشت، موجب مهاجرت‌های گسترده به کشورهای همسایه مانند ایران می‌شود که در امنیت ملی کشور ما از جهات مختلف تأثیرگذار می‌باشد و بنابراین این مؤلفه لازم است به‌عنوان یک شاخص مهم در محیط پیرامونی ج.ا.ا مورد ارزیابی قرار گیرد.

متغیر چهارم: توزیع نامناسب ثروت و فساد مالی

در کشورهای دارای منابع انرژی به‌ویژه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، قول‌های دولت‌ها برای آینده‌ای روشن، توزیع مجدد ثروت و بالا بردن قدرت اقتصادی، انتظارات زیادی را در میان گروه‌های نژادی و اجتماعی ایجاد کرده است. از طرفی درآمدهای نفتی این کشورها در میان مدت توانسته است تا حدودی از نگرانی‌های عمومی بکاهد، ولی در بلندمدت با توجه به روند خصوصی‌سازی‌های همراه با رانت و توزیع ثروت بین صاحبان قدرت رژیم گذشته (شوروی) و صاحبان نفوذ در رژیم‌های فعلی این کشورها، این قول‌ها محقق نشده و انتظارات اجتماعی برآورده نشده است که موجبات تنش‌های اجتماعی در این کشورها را فراهم آورده است.

دلایل عدم تأیید متغیر چهارم (توزیع نامناسب ثروت و فساد مالی)

توزیع نامناسب ثروت و فساد مالی، ناشی از سیاست‌های نامناسب اقتصادی است که این امر تابعی از ساختار حکومتی اقتدارگرا در این کشورهاست. به همین دلیل این می‌تواند به‌عنوان یک متغیر مرتبط با بُعد «سیاسی» کشورهای حوزه خزر شناخته شود. از طرف دیگر، به کار بردن اصطلاح «نامناسب» موجب جهت‌دهی به این مؤلفه گردیده و به اعتقاد نگارنده، این متغیر بنا به دلایل فوق، از نظر پرسش‌شوندگان واجد امتیاز لازم نگردیده است.

متغیر پنجم: میزان صادرات و واردات انرژی، کالا و خدمات

حجم کل صادرات و واردات که به عنوان شاخص اصلی اندازه‌گیری تولید ناخالص ملی کشورها می‌باشد، مؤلفه بسیار مهمی در ارزیابی قدرت ملی کشورها محسوب می‌گردد. در کشورهای حوزه خزر میزان صادرات و واردات انرژی، خود تابعی از میزان منابع فسیلی در اختیار این کشورها و همچنین میزان مصرف منابع فسیلی در جهت تولید سوخت یا تولید کالا با هدف مصرف داخلی و یا صادرات به بازارهای جهانی و کشورهای همسایه است که طبیعتاً خود واجد فرصت‌ها و تهدیداتی هم برای این کشورها (از بابت محصور بودن در خشکی و نیاز به فضای سرزمینی ایران برای انجام صادرات و واردات) و هم برای ج.ا.ایران (از جهات مختلف مانند از دست رفتن بازارهای صادراتی نفت و گاز کشور و جایگزینی با کشورهای حوزه خزر، کسب یا عدم کسب درآمدهای ناشی از صادرات کالا و خدمات به این کشورها، سوآپ نفت و گاز و در نتیجه آن وابستگی یا عدم وابستگی اقتصادی و سیاسی به ایران) است که در افزایش یا کاهش قدرت ملی و به دنبال آن امنیت ملی کشور ما بسیار مؤثر است.

متغیر ششم: قاچاق کالا و مواد مخدر

امروزه در کشورهای حوزه دریای خزر، معضل قاچاق مواد مخدر و اعتیاد، به علت همسایگی این کشورها با افغانستان، از پدیده‌های شوم کشورهای این حوزه محسوب شده و ظرفیت‌های امنیتی و انتظامی بسیاری را در این کشورها به خود معطوف داشته است. همچنین رابطه مواد مخدر با جرائم باعث بروز مناقشات، معضلات اجتماعی و تضعیف اقتدار دولت‌های این منطقه شده است. معضلاتی که از قبال این موضوع در آینده می‌تواند منطقه خزر و من جمله ج.ا.ا را با خطرات امنیتی مواجه نماید، مشکل مواد مخدر، جرائم سازمان‌یافته در مناطق مرزی و فعالیت‌های جنایی مربوطه می‌باشد که به دنبال خود فساد گمرکی، قاچاق کالا و همچنین قاچاق سلاح را در مناطق مرزی کشور در پی خواهد داشت.

دلایل عدم تأیید متغیر ششم (قاچاق کالا و مواد مخدر)

این متغیر نیز از نظر جامعه نمونه در پرسشنامه مورد تأیید واقع نگردیده است. بر مبنای نظرات خبرگان، ارتباط این متغیر با توجه به نوع و میزان اثرگذاری آن، با بُعد دفاعی - امنیتی کشورهای حوزه خزر بسیار بیشتر از بُعد اقتصادی می‌باشد و با توجه به ارتباط آن با جنبه‌های مختلف امنیت ملی کشور می‌بایست ذیل بُعد دفاعی - امنیتی سامان‌دهی گردد. به همین دلیل این متغیر نیز از فهرست متغیرهای اصلی ژئوپلیتیکی مرتبط با بُعد اقتصادی کشورهای محیط پیرامونی ایران خارج گردیده است.

متغیر هفتم: وضعیت صنعت و فناوری

تلاش یا عدم تلاش کشورهای حوزه دریای خزر در جهت تقویت صنعت و رشد فناوری، از جنبه اثرگذاری این مؤلفه بر سایر مؤلفه‌های اقتصادی مانند افزایش یا کاهش تولید و صادرات محصولات صنعتی، توانمندی و یا عدم توانمندی در جهت رفع نیازهای داخلی و کاهش وابستگی صنعتی و در پیامد آن وابستگی یا عدم وابستگی اقتصادی و به دنبال آن سیاسی این کشورها به کشورهای دیگر و همسایه مانند ایران و برعکس، بسیار حیاتی ارزیابی می‌شود و لازم است در تحلیل‌ها و بررسی‌های بُعد اقتصادی محیط ژئوپلیتیکی پیرامون کشور مورد ارزیابی قرار گیرد.

متغیر هشتم: شبکه‌ها و زیرساخت‌های حمل‌ونقل

شبکه‌های ارتباطی، زیرساخت‌های حمل‌ونقل و راه‌های دسترسی از مهم‌ترین عناصر اثرگذار در قدرت و امنیت ملی کشورها است که در جغرافیای سیاسی جایگاه ویژه‌ای دارد و بسیاری از تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی را متأثر می‌سازد. کشورهای حوزه خزر، دارای زیرساخت‌های مناسب و کافی و تقریباً توسعه‌یافته‌ای می‌باشند که بخشی از آن در دوران شوروی و بخشی دیگر در دوران استقلال این کشورها انجام شده است؛ ولی عدم دسترسی کشورهای محصور در خشکی این منطقه به دریاها و آزاد و وابستگی این

کشورها به کشورهای همسایه مانند ایران جهت انجام صادرات، واردات و ترانزیت یکی از مسائل و نقطه ضعف‌های اساسی کشورهای حوزه دریای خزر است. حال، کیفیت ارتباطات این کشورها با ایران، وجود یا عدم وجود مسیرهای بدیل، هزینه‌ها و عوارض این امر و میزان اثرگذاری مسائل سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی بر این مقوله، در افزایش یا کاهش قدرت، منافع و امنیت ملی این کشورها و ج.ا.ا از این رهگذر مؤثر خواهد بود و با توجه به اهمیت حیاتی این مؤلفه ژئواکونومیکی، لازم است در شناخت محیط پیرامونی ج.ا.ا در حوزه خزر مورد بررسی قرار گیرد.

متغیر نهم: وضعیت تولیدات کشاورزی

کیفیت و کمیت تولیدات کشاورزی کشورهای حوزه خزر به‌خصوص در حوزه تولید انبوه اقلام راهبردی (گندم، پنبه، دام و...) و همچنین نیاز این کشورها به واردات برخی اقلام کشاورزی و همچنین اقلام حاصل از فراوری تولیدات کشاورزی، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حیاتی اثرگذار بر سایر مؤلفه‌های اقتصادی و در نهایت سیاسی این کشورها و همچنین ایران شمرده می‌شود. با توجه به میزان تبادلات محصولات کشاورزی و دامی و فرآورده‌های آن بین ایران و کشورهای حوزه خزر، با توجه به شرایط تحریمی ایران، حفظ، ثبات، کاهش و یا افزایش این تبادلات برای منافع و امنیت ملی ایران از جهات بسیاری اثرگذار بوده و لازم است این عامل در شناخت محیط ژئوپلیتیکی کشورهای این حوزه مورد بررسی قرار گیرد.

متغیر دهم: منابع و ذخایر معدنی و فسیلی

درواقع اهمیت و تأثیر این منابع در اقتصاد کشورهای حوزه خزر به‌قدری است که نمی‌توان وضعی را که در نتیجه فقدان آن‌ها به وجود خواهد آمد مجسم کرد. از طرف دیگر، در صورتی که این کشورها بتوانند سرمایه‌های به‌دست‌آمده از فروش منابع هنگفت معدنی و فسیلی را به سمت توسعه زیرساخت‌های صنعتی و تولیدی و دفاعی هدایت

نمایند، این امر می‌تواند در رشد مؤلفه‌های قدرت ملی این کشورها تأثیرگذار باشد و به دنبال آن این امر در افزایش یا کاهش امنیت ملی کشورهای همسایه این کشورها مانند ایران بسیار مؤثر و حیاتی ارزیابی خواهد شد. از طرف دیگر، وجود منابع معدنی و میدان‌های نفتی و گازی مشترک بین این کشورها در دریای خزر در کنار وجود اختلافات و عدم توافق بر سر تقسیم این میدان‌ها در قالب رژیم حقوقی دریای خزر، موجبات حاکم شدن فضای امنیتی و نظامی شدن این دریا را فراهم آورده که از جهاتی بر روابط بین ایران و این کشورها و امنیت ملی کشور اثرگذار می‌باشد و لازم است مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد.

متغیر یازدهم: خطوط انتقال انرژی

وضعیت خطوط انتقال انرژی اوراسیا، به واسطه دسترسی منظم کشورهای واردکننده انرژی این منطقه جهت تأمین نیازهای روزمره و حیاتی خود، به خصوص در حوزه تولید و مصرف سوخت و تأمین نیاز صنایع برای تولید و صادرات کالا به کشورهای دیگر و پیامدهای بسیار بزرگ ناشی از قطع یا آسیب‌پذیری خطوط انتقال انرژی این منطقه، بسیار مهم و حیاتی است. همچنین سرعت انتقال، امنیت، نوع و کیفیت این خطوط، نیز یکی از موضوعات مهم اقتصاد و سیاست بین‌الملل است. این موضوع به قدری برای جامعه جهانی اهمیت دارد که همواره قدرت‌های بین‌المللی سیاست‌های مختلفی را در جهت منافع خود برای عبور خطوط انتقال انرژی این منطقه از مسیرهای مدنظر و تحت کنترل خود به کار می‌گیرند که این امر فرصت‌ها و تهدیدات مختلفی را در حوزه‌های اقتصادی و امنیتی برای کشور ما ایجاد کرده است. به عنوان مثال در حوزه دریای خزر خط لوله باکو - تفلیس - جیهان، خط لوله بستر دریای خزر، طرح سوآپ نفت و گاز ترکمنستان از ایران، طرح عظیم صادرات گاز روسیه به چین و روسیه به اروپا، همگی از جهاتی بر منافع و امنیت ملی کشور ما اثرگذار و قابل مذاقه و بررسی بسیار است.

متغیر دوازدهم: وضعیت صنعت گردشگری

امروزه درآمدهای هنگفت صنعت گردشگری، بر افزایش قدرت اقتصادی و در نتیجه قدرت ملی کشورها اثرگذاری بالایی دارد. در کشورهای حوزه خزر، با توجه به وضعیت اقتصادی ضعیف، تمایلات زیادی در جهت کسب درآمد از مسیرهای دیگر به خصوص صنعت گردشگری ایجاد شده است. به همین جهت این کشورها برنامه‌ریزی‌های متنوعی را در جهت ایجاد زیرساخت‌های گردشگری رفاهی و ثبت و بازسازی آثار تاریخی انجام داده‌اند. از طرف دیگر با تلاش‌ها و پیگیری‌های ممتد، بسیاری از آثار، ادبا، دانشمندان، آیین‌ها و نمادهای معنوی فرهنگ ایرانی را در مجامع بین‌المللی به نام خود ثبت نموده‌اند. این امر در کنار برگزاری جشن‌ها و آیین‌های متعدد سنتی و باستانی ایران در سطح وسیع در این کشورها، موجب هدایت بخش زیادی از گردشگران آثار فرهنگی ایرانی به این کشورها و کاهش درآمدهای صنعت گردشگری و صنایع وابسته به آن در کشور گردیده است. از طرفی، با توجه به وجود اماکن رفاهی و تفریحی متعدد و برگزاری کنسرت‌ها و جشن‌های متنوع با هزینه‌های مناسب، موجب گرایش تعداد زیادی از گردشگران ایرانی جهت سفرهای تفریحی به این کشورها شده است. این اقدامات علاوه بر اینکه سالانه حجم بالایی از ارز کشور را خارج نموده و در کاهش توان اقتصادی کشور اثرگذار است، در تغییر ذائقه فرهنگی و ارزشی خانواده‌های ایرانی نیز اثرگذاری بالایی دارد که به نوبه خود بر امنیت ملی کشور مؤثر می‌باشد.

متغیر سیزدهم: عضویت در نهادها، رژیم‌ها و همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای،

فرامنطقه‌ای و جهانی

عضویت کشورهای حوزه خزر در نهادهای متعدد اقتصادی منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی و انجام همکاری‌های اقتصادی مختلف، علاوه بر اینکه می‌تواند موجب رشد اقتصادی، صنعتی و... کشورهای این منطقه شود، بلکه امکان ایجاد زمینه‌های همگرایی و کاهش تعارض منافع با کشورهای دیگر عضو (به خصوص کشورهای همسایه مانند ایران)

را در حوزه‌های دیگر نیز فراهم می‌نماید که طبیعتاً این امر در جهت کاهش تنش‌ها و افزایش امنیت محیطی کشور ما مؤثر است (مانند عضویت ایران در پیمان اکو) همچنین می‌تواند موجبات تجمیع قدرت اقتصادی کشورهای این حوزه برای تقابل اقتصادی با قدرت‌های برتر جهانی و مقابله با فشارهای آنان را فراهم نماید که طبیعتاً در افزایش قدرت ملی این کشورها اثرگذار است. به‌عنوان مثال، تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا و همچنین سازمان شانگهای در همین راستا ارزیابی می‌شود. از طرف دیگر، عدم برخورداری رهبران کشورهای جوان این حوزه از اراده سیاسی کاملاً مستقل، موجب نفوذ و اثرگذاری قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بعضاً معارض با ج.ا.ایران بر تصمیمات مهم کشورهای این منطقه گردیده و بعضاً در روند همگرایی کشورهای منطقه، تمایل ایشان به عضویت کامل ایران در پیمان شانگهای و اتحادیه اوراسیا و توافق بر سر رژیم حقوقی دریای خزر اثر گذاشته است که همه این عوامل می‌تواند در جهت اثرگذاری بر امنیت و منافع ملی کشور ما مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد.

متغیر چهاردهم: منافع اقتصادی مشترک با کشورهای دیگر

منافع اقتصادی مشترک با کشورهای دیگر دارای تنوع و همچنین دارای ابعاد مثبت و منفی از نظر اثرگذاری بر منافع ملی و امنیت ملی یک کشور می‌باشد و با توجه به نمود آن در حوزه خزر و سایر مناطق پیرامونی کشور، لازم است در شناخت محیط ژئوپلیتیکی پیرامون ایران لحاظ گردد. این منافع اقتصادی مشترک به‌عنوان مثال، منابع آبی مشترک (رودخانه‌های مرزی اترک، ارس و... که با سرمایه‌گذاری و برداشت مشترک انجام می‌شود) می‌تواند باشد که موجبات همگرایی و به دنبال آن کاهش تهدیدات از آن حوزه را فراهم می‌آورد و می‌تواند منابع نفتی و گازی مشترک (مانند منابع حوزه دریای خزر، عدم توافق بر سر نحوه برداشت از آن منابع، برداشت بی‌رویه و یک‌طرفه برخی کشورهای این حوزه از منابع نفتی دریا) باشد که واجد آسیب‌های حیاتی به منافع ملی کشور است و یا اینکه همکاری‌های مشترک اقتصادی (مانند طرح‌های مشترک صنعتی، خدماتی و کشاورزی،

زیرساختی بین ایران و کشورهای این حوزه در زمینه احداث سد، نیروگاه، بزرگراه، راه آهن و... باشد که می تواند موجب افزایش همگرایی های اقتصادی و به دنبال آن سیاسی بین ایران با این کشورها گردد. از طرف دیگر ایجاد منافع اقتصادی مشترک با قدرت های منطقه ای و فرمانطقه ای (مانند حضور و سرمایه گذاری وسیع ترکیه و رژیم صهیونیستی در طرح های اقتصادی کشورهای حوزه خزر) می تواند واجد تهدیدات اقتصادی و امنیتی برای ج.ا.ایران باشد.

نتیجه گیری

با عنایت به مطالعات نگارنده؛ شامل مبانی نظری تحقیق، لحاظ نمودن دیدگاه ها و مشورت با کارشناسان حوزه های راهبردی، اقتصادی، ژئوپلیتیکی، امنیت ملی و دریای خزر، پرسشنامه تحقیق تنظیم و نتایج آن استخراج گردید. سپس داده های حاصل از روایی و پایایی پرسشنامه توسط دو فرمول ضریب لاوشه و آلفای کرونباخ مورد آزمون قرار گرفت که شاخص های «دوم، چهارم و ششم» مورد تأیید قرار نگرفته و شاخص های «یکم، سوم، پنجم، هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم» مورد تأیید قرار گرفت. سپس نتایج حاصل از آزمون های روایی و پایایی، توسط آزمون همگن بودن (تحلیل عامل تأییدی) بررسی و به جهت همگن بودن و هم جنس بودن متغیرها با یکدیگر و با بُعد متناظرشان؛ یعنی اقتصادی مورد تأیید قرار گرفت و در نهایت با انجام آزمون فریدمن متغیرهای ذیل بعد اقتصادی رتبه بندی و اولویت بندی گردید. در نهایت، با توجه به نتایج آزمون های فوق و یافته های تحقیق، از ۱۴ متغیر مدنظر نگارنده در فرضیه تحقیق، تعداد ۱۱ متغیر به عنوان متغیرهای ژئوپلیتیکی مرتبط با بُعد اقتصادی کشورهای حوزه دریای خزر که بر امنیت ملی ج.ا.ا تأثیرگذار می باشند، با توجه به اولویت متغیرها به شرح زیر مشخص می گردد. از نظر نگارنده متغیرهای ذیل به جهت اثرگذاری بالای آن بر امنیت ملی و منافع ملی ج.ا.ا در حوزه دریای خزر و همچنین اثرگذاری آن بر سایر ابعاد و متغیرهای ژئوپلیتیکی این محیط، می تواند مبنایی برای مطالعه مدون بُعد ژئواکونومیکی

کشورهای همسایه ایران در حوزه دریای خزر قرار گیرد تا درک درست و کامل تری از محیط ژئوپلیتیکی پیرامون ج.ا.ا به دست آید:

منابع و ذخایر معدنی و فسیلی

عضویت در نهادها، رژیم‌ها و همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی

شبکه‌ها و زیرساخت‌های حمل‌ونقل

خطوط انتقال انرژی

وضعیت صنعت گردشگری

منافع اقتصادی مشترک با کشورهای دیگر

وضعیت تولیدات کشاورزی

وضعیت اشتغال، رفاه و معیشت مردم

جایگاه قدرت اقتصادی کشور در منطقه و جهان

میزان صادرات و واردات انرژی، کالا و خدمات

وضعیت صنعت و فناوری

درواقع، آنچه از نتایج این تحقیق به دست می‌آید این است که:

با عنایت به اثرات مؤلفه‌های «اقتصادی» کشورهای پیرامون ایران در حوزه دریای خزر بر امنیت ملی و منافع ملی ج.ا.ا، شناخت دقیق آن برای مسئولین و مدیران کلان کشور بسیار حائز اهمیت ارزیابی می‌شود. این اثرات به شرح زیر قابل ذکرند:

الف) کشورهای این حوزه ساختار ضعیف و ناکارآمد اقتصادی شوروی را به ارث برده و تجربه فروپاشی سیاست‌های اقتصادی متکی به ایدئولوژی کمونیسم را در اختیار دارند. مردم این کشورها نیز تجربه تلخ ۷۰ ساله‌ای از زندگی در سایه اقتصاد کمونیستی داشته و از آزادی‌های اقتصادی و مالکیت خصوصی محروم بوده‌اند. به همین دلیل، هیئت حاکمه این کشورها، الگوی اقتصاد لیبرالیستی را جایگزین الگوی مارکسیسم نموده‌اند و با پرهیز از نگاه ایدئولوژیک و با واقع‌گرایی در سیاست خارجی خود، به دنبال ایجاد روابط اقتصادی با همه کشورهای جهان می‌باشند. این مهم از دو جنبه اصلی قابل بررسی است:

جنبه اول این است که این کشورها از منابع معدنی و فسیلی فراوان، ظرفیت‌های بالای کشاورزی و موقعیت ترانزیتی راهبردی برخوردارند و زمینه‌های سرمایه‌گذاری عظیمی برای رشد و توسعه در اختیار دارند. طبیعتاً پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصادی لیبرالیستی ناشی از دلایل فوق، در قالب واگذاری فضاها برای جذب حداکثری سرمایه در طرح‌های توسعه‌ای این کشورها (در زمینه‌های نفت، گاز، پتروشیمی، ترانزیتی، بندری، زیرساخت‌های خدماتی، صنعتی و عمومی، کشاورزی، توریسم، صنایع دفاعی و...)، زمینه حضور شرکت‌های توانمند منطقه‌ای و بین‌المللی را در بخش‌های مختلف اقتصادی این کشورها فراهم نموده است. این امر با توجه به افزایش فضای رقابتی اقتصادی در این کشورها، توان محدود سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ایران و همچنین حاکم بودن شرایط تحریمی بسیار سخت برای هرگونه فعالیت‌های اقتصادی ایران در خارج از کشور، توانسته است با کاهش بهره‌برداری بخش دولتی و خصوصی ایران از فرصت‌های متنوع اقتصادی مدنظر در این حوزه و کاهش بازارهای صادراتی در این کشورها، فرصت‌های ایران را برای کسب درآمد، نقش و نفوذ بیشتر اقتصادی در منطقه خزر محدود نماید.

جنبه دیگر اینکه، حضور پررنگ کارتل‌های بین‌المللی در اقتصاد کشورهای حوزه خزر، موجب افزایش نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای غربی (به‌خصوص آمریکا، اروپا، رژیم صهیونیستی و...) در بخش‌های مختلف سیاست‌گذاری اقتصادی این کشورها خواهد گردید. این امر با توجه به ضعف سیاست خارجی این کشورها، جایگاه بین‌المللی آمریکا و تعارض منافع این کشور با ج.ا.ایران، به فشار برای محدودسازی نفوذ اقتصادی ایران در این کشورها منجر شده است. در واقع آمریکا تمام تلاش خود را در این حوزه به کار بسته است که علاوه بر ایجاد زمینه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر شرکت‌های غربی و صهیونیستی در این کشورها، مانع از کسب منافع سرشار اقتصادی ناشی از ترانزیت نفت خام و گاز حوزه آسیای مرکزی و قفقاز توسط ایران گردیده است. این امر نیز در دو قضیه مهم فشار سیاسی - اقتصادی

آمریکا برای انتقال نفت کشور آذربایجان (خط لوله باکو-تفلیس-جیحان) و طرح خط لوله بستر دریای خزر برای انتقال نفت ترکمنستان و آسیای مرکزی از مسیری غیر از خاک ایران، نمود بارز پیدا کرده است.

جنبه سوم، نگاه امنیتی به این مقوله است. در سال‌های اخیر، توسعه روابط راهبردی اقتصادی غرب با کشورهای حوزه خزر به سطوح دیگر مانند حوزه‌های دفاعی-امنیتی، نگرانی‌هایی را برای ج.ا.ا در محیط پیرامونی شمالی، از جنبه اثرگذاری این امر بر امنیت ملی کشور به وجود آورده است که با توجه به نشانه‌های این امر تا حدود زیادی درست می‌نماید. البته از جنبه دیگر، حضور پررنگ روسیه در مرزهای شمالی این حوزه و نگاه این کشور به این منطقه به عنوان حیاط خلوت خود و واکنش نسبت به هرگونه تحرک و حضور امنیتی غرب در این منطقه، حضور توأم با نوعی احتیاط را به کشورهای غربی حاضر در این منطقه القاء کرده است. از طرفی، با توجه به ضعف راهبردی چین در حوزه دریای چین جنوبی و نگاه این کشور به حوزه آسیای مرکزی، دریای خزر، ایران و قفقاز به عنوان مسیر ترانزیتی امن و باثبات به جهت توسعه طرح عظیم ترانزیتی «راه ابریشم زمینی» به عنوان مسیر بدیل دریایی صادراتی این کشور، هرگونه مخاطرات امنیتی که طرح توسعه این مسیر ترانزیتی را به خطر افکند، موجبات واکنش این قدرت اقتصادی بین‌المللی نسبت به آن را فراهم خواهد آورد.

وانگهی این شکل از حضور و نفوذ ابرقدرت‌های جهانی (روسیه، آمریکا و چین) در این منطقه و تلاش هرکدام در محدودسازی نفوذ دیگری در کشورهای این حوزه، شرایط تقریباً متعادلی را برای ایران به وجود آورده که در صورت در پیش گرفتن دیپلماسی فعال، باید به آینده حضور و نفوذ خود در کشورهای حوزه خزر در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حتی دفاعی امیدوار باشد. از طرفی با توجه به وابستگی سرزمینی کشورهای این حوزه به ایران از جنبه‌های اقتصادی مختلف مانند کوتاه بودن، امن بودن و کم‌هزینه بودن مسیر ترانزیتی ایران برای هرگونه صادرات و واردات به منطقه خزر، همکاری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مشترک و مختلف اقتصادی

بلندمدت انجام شده، نگاه مثبت ایران به همکاری و همگرایی در سطح منطقه، علقه‌های عمیق فرهنگی و تمدنی، عدم واگرایی هویتی بین ملل آسیای مرکزی و قفقاز با مردم ایران و در نهایت توانمندی‌های بالای دفاعی و امنیتی ج.ا.ا، موجب گردیده که همواره نگاه رهبران سیاسی و اقتصادی این کشورها نسبت به ج.ا.ایران، پرهیز از هرگونه تنش، همکاری و همراه با احترام به این قدرت منطقه‌ای مستقر در مرزهای جنوبی خود همراه باشد.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- احمدی‌پور، زهرا، (۱۳۸۹)، ژئوپلیتیک دریای خزر، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- اطاعت، جواد، (۱۳۸۷)، ایران و خطوط انتقال انرژی حوزه خزر، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال دوم، شماره ۳.
- امیراحمدیان، بهرام، (۱۳۸۶)، جمهوری آذربایجان، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- امیراحمدیان، بهرام، (۱۳۸۴)، ژئوپلیتیک لوله‌ها در عرصه ژئواستراتژیک اوراسیا هم‌شهری دیپلماتیک، سوم اردیبهشت.
- بیژنی، مهدی، (۱۳۸۱)، خزر و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سایه‌روشن.
- بیک‌بیلندی، علی‌اصغر، (۱۳۹۵)، تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی دریای خزر بر تدوین راهبرد دفاعی ج.ا.ا، تهران، دعا.
- تقوی اصل، سید عطا، (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک جدید ایران از قزاقستان تا گرجستان، چ ۳، تهران، وزارت امور خارجه.
- جدیدی، علی و دیگران، (۱۳۹۳)، نقش انرژی در جهت‌گیری سیاست خارجی آذربایجان، تهران، سمت.
- حاتمی، تورج (۱۳۸۲)، برخورد منافع روسیه و آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، خورزن.
- حاجبانی، ابراهیم، (۱۳۸۸)، چهارچوب روش شناختی برای پژوهش‌های محیط‌شناسی، مطالعات راهبردی، شماره ۸۸.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۹۶)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک (ویراست جدید)، مشهد، پاپلی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، تفاوت و تعارض‌ها در حوزه ژئوپلیتیک خزر، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۲۷.
- خلیلی شورینی، سیاوش، (۱۳۹۱)، روش‌های پژوهش آمیخته (با تأکید بر بومی‌سازی)، چ دوم، تهران، یادواره کتاب.
- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، (۱۳۸۷)، قزاقستان، تهران، وزارت امور خارجه.
- دمیرچی لو، مجتبی، (۱۳۹۰)، رژیم حقوقی خزر، فصل‌نامه مطالعات مرکزی و قفقاز، شماره ۵۳.
- سارولی، نازلی، (۱۳۸۱)، ترکمنستان، تهران، وزارت امور خارجه.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، (۱۳۸۹)، روسیه، تهران، سازمان جغرافیایی ن.م.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، (۱۳۸۹)، قزاقستان، تهران، سازمان جغرافیایی ن.م.
- شرکت نفت خزر، (۱۳۸۹)، میادین هیدروکربنی ترکمنستان، تهران، مدیریت امور فنی و برنامه‌ریزی شرکت نفت خزر.
- شرکت نفت خزر، (۱۳۹۳)، رژیم حقوقی دریای خزر، گذشته و حال، تهران، امور بین‌الملل شرکت نفت خزر.
- شوری، محمود، (۱۳۸۶)، نفت و گاز خزر، تقابل منافع در انرژی اوراسیایی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- شیرودی، مرتضی، (۱۳۹۰)، مسائل منطقه‌ای ایران، ج ۱، چاپ دوم، تهران، تحسین.
- صالحی، محمد، (۱۳۹۳)، ژئوپلیتیک جمعیت قفقاز، مشهد، آستان قدس رضوی.
- عزتی، عزت‌الله، (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، تهران، سمت.
- عطایی، فرهاد و همکاران، (۱۳۸۹)، نقش عامل انرژی در روابط ایران و ترکمنستان، دفتر تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ش ۳.
- کولایی، الهه؛ ابراهیمی، امیر، (۱۳۹۲)، تبیین ژئوپلیتیکی روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۹، شماره ۲.
- کولایی، الهه، (۱۳۹۲)، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، تهران، وزارت امور خارجه ج.ا.ا.
- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، سمت.
- محمدی، علی، (۱۳۹۳)، اقتصاد در کشورهای آسیای میانه، مجله شماره ۱۷، تهران، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- نامی، محمدحسن، (۱۳۸۹)، جایگاه دریای خزر در استراتژی‌های جهانی با تأکید بر قرن ۲۱، تهران، زیتون سبز.
- نویخت، محمدباقر، (۱۳۸۷)، دریاچه خزر در قرن بیست و یکم، (رویکردی اقتصادی - حقوقی)، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- وزارت امور خارجه، (۱۳۸۷)، کتاب سبز جمهوری آذربایجان، تهران، وزارت امور خارجه.
- یاسوری، م، (۱۳۸۳)، فرصت‌ها و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری متقابل در کشورهای حوزه دریای خزر، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۲۰۹، مؤسسه اطلاعات.

ب. منابع انگلیسی

- Duncan, R. & others. (2004). Word Politics in the 21st Century. New York: Pearson Education
- Gorst, Isabel (1998), "Petroleum Ambassadors of Russia, State Versus Corporate Policy in the Caspian Region ", James A Baker 111 Institute for Public Policy, Rice university.
- International Energy Agency, Natural Gas Information 2009, Paris 2009, P. 20
- Kemp, G. (1997). Energy Superbowl: Strategic Politics and the Persian Gulf and Caspian Basin. Washington D.C: Nixon Center for peace and Freedom
- Kleveman. L. (2004). The New Great Game: Blood and oil in Central Asia. London: Atlantic Books.
- Kubicek, Paul, (2013), Energy Politics and Geopolitical Competition in the Caspian Basin, Journal of Eurasian Studies, Vol.4
- O.Tuathail. Gearoid (1999) Critical Geopolitics London: Routledge.
- Star, Frederick (1997), Power failure, National Interest, No 47.

ج. منابع اینترنتی

- طاهراف، رفیق، (۱۳۹۱)، مقاله چرایی تهدیدات امنیت انرژی، قابل دسترسی در: www.farsnews.com
- ایراس (۱۳۹۰)، تهدید ترکمنستان و آذربایجان از سوی روسیه، قابل دسترسی در: www.iras.ir
- مرادی، آیت‌الله، (۱۳۹۰)، جایگاه ایران در راهبرد گازی جمهوری آذربایجان، قابل دسترسی در: www.iras.ir
- <http://fa.tradingeconomics.com/turkmenistan/population>
- <http://fa.tradingeconomics.com/turkmenistan/gdp:www.globalsecurity.org>
- <http://fa.tradingeconomics.com/kazakhstan/inflation-cpi>
- <http://fa.tradingeconomics.com/russia/unemployment-rate>
- <http://ir.sputniknews.com> (2015).Rutledge Press, London.
- <https://www.irna.ir/news/83160101>
- <http://datatopics.worldbank.org/world-development-indicators>
- <http://www.farsnews.ir>
- <http://fa.tradingeconomics.com/kazakhsta>

